

## تحلیل و تبیین درآمد‌های ارزی کشور و تعیین سهم شرکت نفت و صندوق توسعه ملی و بودجه عمومی دولت



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

گروه پژوهشی نظام‌های نوین برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و مدل‌سازی

مجموعه گزارش شماره ۲۰۷



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## شناسه گزارش

عنوان	تحلیل و تبیین درآمدهای ارزی کشور و تعیین سهم شرکت نفت و صندوق توسعه ملی و بودجه عمومی دولت
کد شناسه	۹۹-۹-۱۰۲۵۵
گروه پژوهشی	گروه پژوهشی نظام‌های نوین برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و مدل‌سازی
پدیدآورندگان	الهام وفائی - محمد کارکن ورنوسفادرانی
ناظر علمی	محمدجواد محسنی‌نیا
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ انتشار	آذرماه ۱۳۹۹
طراح جلد	پدرام حاجی اسماعیلی
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران - خیابان نجات‌اللہی - خیابان سپند شرقی - پلاک ۱۶ شماره‌های تماس ۰۲۱-۴۳۳۰۶۰۰۰ شماره پیام‌رسان ۰۹۹۲۱۵۷۵۸۴۳	
<a href="https://www.dfrc.ir/">https://www.dfrc.ir/</a>	

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
خلاصه مدیریتی .....	۸
مقدمه .....	۱
۱- تحلیلی از روندهای گذشته توزیع درآمدهای ارزی بین شرکت نفت، صندوق توسعه ملی و بودجه دولت .....	۳
۲- بررسی سیاست‌های نفتی .....	۹
۳- بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد کشور .....	۱۷
۳-۱- اثر شوک‌های درآمدهای نفتی بر اقتصاد .....	۱۷
۳-۲- ارزیابی شاخص‌های وابستگی دولت به درآمدهای نفتی .....	۱۹
۳-۲-۱- شاخص نسبت درآمدهای نفت به بودجه عمومی و هزینه‌های جاری دولت .....	۱۹
۳-۲-۲- شاخص نسبت درآمد صادرات نفت به کل صادرات کشور .....	۲۱
۳-۲-۳- شاخص سهم ارزش افزوده بخش نفت در تولید ناخالص داخلی کشور .....	۲۳
۴- بررسی جنبه‌های قانونی و مقرراتی .....	۲۶
۴-۱- مستندات قانونی تقسیم درآمدهای ناشی از صادرات نفت خام و میعانات گازی .....	۲۶
۴-۲- مستندات قانونی تقسیم درآمدهای ناشی از فروش داخلی نفت خام و میعانات گازی .....	۲۷
۴-۳- مستندات قانونی تقسیم درآمدهای ناشی از فروش مشتقات نفتی .....	۲۸
۴-۴- مستندات قوانین بودجه در مورد سهم صندوق توسعه ملی و شرکت نفت از منابع حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی	۲۸
۵- مهم‌ترین و اساسی‌ترین محدودیت‌ها و چالش‌های پیش‌رو .....	۳۰
۶- راهکارها و اقدامات اصلاحی .....	۳۱
منابع .....	۳۳

## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۳	جدول ۱: سهم صندوق توسعه ملی بر اساس قوانین برنامه پنجم و ششم توسعه کشور و نیز درصد تحقق در عمل
۵	جدول ۲: درآمد دولت، شرکت نفت و صندوق توسعه ملی از محل صادرات نفت
۱۹	جدول ۳: نسبت منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به اعتبارات هزینه‌ای و منابع عمومی دولت
۲۲	جدول ۴: نسبت درآمدهای نفتی حاصل از صادرات نفت به درآمد کل صادرات
۲۳	جدول ۵: تولید ناخالص داخلی (با و بدون نفت) و سهم ارزش‌افزوده بخش نفت در GDP کشور
	جدول ۶: مفاد قانونی بودجه در مورد سهم صندوق توسعه ملی و شرکت نفت از منابع حاصل از صادرات نفت خام و میعانات
۲۸	گازی

## فهرست نمودار

صفحه	عنوان
۵	نمودار ۱: درآمد دولت، وزارت نفت و صندوق توسعه ملی از صادرات نفت (میلیون دلار).....
۶	نمودار ۲: منابع ورودی صندوق توسعه ملی از صادرات نفتی (میلیون دلار).....
۲۰	نمودار ۳: نسبت منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به اعتبارات هزینه‌ای و منابع عمومی دولت (۱۳۸۹-۱۴۰۰) ..
۲۲	نمودار ۴: نسبت درآمد نفتی به درآمد کل صادرات.....
۲۴	نمودار ۵: سهم نفت در تولید ناخالص داخلی (درصد).....

## خلاصه مدیریتی

نحوه هزینه‌کرد درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران که از کانال بودجه دولت صورت می‌پذیرد، همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت بوده است. از یک سو، بودجه عمومی دولت نقش مهمی در ترکیب تقاضای کل اقتصاد را بر عهده دارد و از سوی دیگر، مخارج و هزینه‌های دولت همواره در حال افزایش است. همچنین مسئله اصلی، وابستگی ساختاری بودجه دولت به درآمدهای نفتی است. با توجه به اینکه درآمدهای نفتی همواره به علت نوسانات قیمت جهانی نفت، بی‌ثبات بوده و با توجه به واکنش نامتقارن بودجه دولت به درآمدهای نفتی، لذا وابستگی اقتصاد به درآمدهای ارزی باعث تشدید بی‌ثباتی و تضعیف در اقتصاد کشور شده است. به همین جهت، تلاش برای کاهش وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی همواره مد نظر سیاست‌گذاران و دولت‌مردان قرار گرفته است. در این راستا اقداماتی نیز انجام شده است، ولی به نظر می‌رسد اقدامات انجام شده وافی به مقصود نبوده است. از جمله اقدامات انجام شده به منظور رفع نوسانات بازار نفت و کاهش وابستگی بودجه کشور به درآمدهای نفتی، ایجاد حساب ذخیره ارزی در قانون برنامه‌های سوم و چهارم توسعه و صندوق توسعه ملی در قانون برنامه‌های پنجم و ششم توسعه بوده است. سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت، میعانات گازی و خالص صادرات گاز در سال اول اجرای قانون برنامه ششم توسعه کشور، سی (۳۰) درصد تعیین و مقرر شده است سالانه حداقل دو واحد درصد به این سهم اضافه شود. بانک مرکزی مکلف است در طول سال و متناسب با وصول منابع بلافاصله نسبت به واریز این وجوه و سهم چهارده و نیم (۱۴/۵) درصد شرکت ملی نفت ایران از کل صادرات نفت و میعانات گازی و همچنین سهم سه (۳) درصد مناطق نفت‌خیز، گازخیز و توسعه‌نیافته اقدام کند و از محل باقیمانده، سهم بودجه عمومی دولت تعیین شده است. با توجه به اهمیت موضوع، در این مطالعه به بررسی تحلیل و تبیین درآمدهای ارزی کشور و تعیین سهم شرکت نفت و صندوق توسعه ملی و بودجه عمومی دولت پرداخته و مستندات قانونی نیز در این زمینه بیان شده است. از این‌رو، بر اساس تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات موجود، نتایج ذیل به دست آمده است:

- در رابطه با سهم صندوق از درآمدهای نفتی، در عمل اهداف برنامه محقق نشده است. به طوری که در قانون بودجه سال ۱۳۹۶، مقرر شد سی (۳۰) درصد از درآمدهای ارزی مطابق با برنامه ششم توسعه کشور به صندوق توسعه ملی اختصاص یابد، ولی در عمل سهم صندوق از درآمدهای ارزی کشور، ۲۲/۲ درصد شد. در قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ نیز مقرر شد سالانه بیست (۲۰) درصد از درآمدهای ارزی به حساب صندوق توسعه ملی واریز شود و مابه‌التفاوت سهم (درصد) تعیین شده در برنامه ششم توسعه و در قوانین بودجه مذکور از سهم صندوق توسعه ملی که به ترتیب برابر با ۱۲، ۱۴ و ۱۶ درصد است، به دولت داده که به عنوان بدهی دولت به صندوق توسعه ملی حساب شود. در عمل نیز در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب سهم صندوق از درآمدهای ارزی دولت، ۱۵/۱ و ۱۸/۳ درصد بوده که علت آن صدور مجوزهای برداشت با ماهیت بازگشت از منابع بوده است. در چهارماهه سال ۱۳۹۹ نیز ۱۹/۸ درصد از درآمدهای ارزی دولت به صندوق واریز شد. بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۰ نیز، سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفتی کشور ۲۰ درصد بیان شده است و مابه‌التفاوت آن با هدف برنامه ششم توسعه کشور؛ یعنی ۱۸ درصد به عنوان بدهی دولت به صندوق، تلقی شود.
- طی دوره زمانی مورد بررسی از ۱۳۸۹-۱۳۹۹، وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی به طور نسبی روند کاهشی داشته است، به طوری که بر اساس آمار و اطلاعات سازمان خزانه‌داری کل کشور، وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی از حدود ۴۸ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۸ درصد در سال ۱۳۹۶ رسیده است. همچنین در قانون بودجه سال ۱۳۹۷ نیز با توجه به ارقام مصوب، وابستگی بودجه عمومی



- دولت به درآمدهای نفتی، حدود ۲۶ درصد بوده است؛ ولی در قانون بودجه سال ۱۳۹۸، این وابستگی افزایش چشم‌گیری داشته و به حدود ۳۴ درصد رسیده است. این وابستگی در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ به پایین‌ترین حد خود طی این سال‌ها و به حدود ۱۰ درصد رسیده است. البته در مورد درآمدهای نفتی در بودجه باید بیان کرد که کاهش چشم‌گیری در این سال‌ها داشته است و از حدود ۱۵۳۰۷۳۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ به حدود ۵۶۹۴۳۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۹ رسیده است. در لایحه بودجه ۱۴۰۰ نیز، میزان درآمدهای نفتی دولت به حدود ۱,۹۹۲,۷۲۰ میلیارد ریال رسیده است و نسبت منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به منابع عمومی دولت، با افزایش چشم‌گیری به ۲۳/۶۸ درصد رسیده است.
- وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفتی از حدود ۶۶ درصد در سال ۱۳۸۹ به حدود ۳۸ درصد در سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است. در قانون بودجه ۱۳۹۷ نیز، این رقم به حدود ۳۵ درصد رسیده است، ولی در سال ۱۳۹۸، به حدود ۴۴ درصد افزایش و در سال ۱۳۹۹ به حدود ۱۳ درصد کاهش یافته است.
  - طی سال‌های مورد بررسی، منابع بودجه عمومی دولت و اعتبارات هزینه‌ای با رشد ۲۲ درصدی و شاخص پوشش اعتبارات هزینه‌ای با استفاده از درآمدهای نفتی، با کاهش ۶/۵ درصدی مواجه بوده است. این در شرایطی است که سهم درآمدهای نفت از کل منابع عمومی در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ با کاهش ۶/۳ درصدی مواجه شده است.
  - روند تغییرات درآمد حاصل از صادرات کل (نفتی و غیرنفتی) در سال‌های مختلف، همسو با روند تغییر درآمد حاصل از صادرات نفت است. به این مفهوم است که صادرات کل بیشتر تحت تأثیر صادرات نفت قرار داشته است. نسبت درآمدهای نفتی به کل درآمدهای صادراتی نیز بیانگر همین نکته است. در واقع، وابستگی درآمدهای ارزی به درآمدهای نفتی بیشتر از درآمدهای غیرنفتی است.
  - نسبت درآمدهای نفتی به درآمد کل صادرات از ۸۰ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۴۹ درصد در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است.
  - با توجه به اینکه به طور نسبی، اختلاف نرخ رشد سال‌های مختلف با احتساب نفت خام بیش از تولید ناخالص داخلی بدون نفت است. به این معنی است که شوک‌ها و سیاست‌های نفتی بیش از سایر متغیرها، بر تولید اثرگذار بوده و همین مسئله نشان‌دهنده وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی است.
  - بالاتر بودن روند نرخ رشد تولید با لحاظ بخش نفت از تولید بدون بخش نفت، نشان‌دهنده برون‌زا بودن قیمت نفت و تأثیرپذیری اقتصاد داخلی از روند جهانی قیمت و مقدار تقاضای نفت و ریسک‌ها و نوسانات آن است.
  - آنچه از عملکرد صندوق توسعه ملی مشاهده می‌شود این است که این صندوق به عنوان منبع پس‌انداز برای دولت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. ادامه این پروسه نه به نفع صندوق است و نه هدف کاهش و حذف وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی را محقق می‌سازد. در ارتباط با سهم ۱۴/۵ درصدی دریافتی شرکت نفت از درآمدهای نفتی نیز باید بیان کرد فارغ از این که سهم ۱۴/۵ درصدی شرکت نفت چگونه و بر اساس چه قواعدی تعیین شده است، در صورت افزایش درآمدهای نفتی، به علت عدم وجود شفافیت در چگونگی هزینه‌کرد سهم مذکور، ائتلاف در منابع صورت می‌گیرد و در صورت کاهش درآمدهای نفتی نیز هزینه‌های ایجاد شده در شرکت نفت به سرعت کاهش پیدا نکرده و می‌تواند مسائل و مشکلاتی را ایجاد نماید.
  - در این زمینه، برخی پیشنهادات و راهکارهای راهبردی و اجرایی ارائه شده است. انتظار بر این است که متولیان امر با توجه به سنجش دقیق عملی و انجام مطالعات دقیق‌تر، بتوانند در مورد عملیاتی کردن راهکارهای ارائه شده تصمیم‌گیری کرده و در صورت صلاحدید، آن را عملی سازند. از این‌رو، مهم‌ترین راهکارهای مطرح شده به شرح زیر است:

### در اهداف و ساختار صندوق توسعه ملی باید بازنگری صورت بگیرد؛ به طوری که:

- هدف‌های ترکیبی ایجاد صندوق باید به‌طور صریح مشخص شود و از هرگونه استفاده و برداشت دیگر از صندوق، ممانعت جدی به عمل آید.
- برداشت در صورت نیاز ضروری، باید به‌گونه‌ای باشد که به صورت سررسید و با اصل و سود به صندوق برگردد.
- ساختار صندوق باید در جهت کاهش وابستگی ساختاری آن به دولت تغییر یابد و با الزامات قانونی مانع برداشت دولت‌ها از صندوق شد.
- ایجاد شفافیت و نظارت دقیق در فرایند اجرا و عملکرد صندوق باید صورت گیرد.
- برای کاهش و حتی حذف وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی، هرچند اقداماتی انجام شده است به نظر می‌رسد اقدامات صورت گرفته وافی به مقصد نبوده است. لذا به نظر می‌رسد بهتر است صندوق از سایر درآمدهای نفتی (به‌جز درآمدهای حاصل از صادرات نفت) نیز سهمی داشته باشد و به تدریج با افزایش سهم صندوق از منابع مختلف درآمدی نفت، وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی کاهش یابد.
- همچنین برای جلوگیری از برداشت منابع از صندوق توسط دولت، به نظر می‌آید بهتر است سرمایه‌گذاری در منابع صندوق با دید بلندمدت و برای سرمایه‌گذاری‌هایی صورت پذیرد که امکان نقدشوندگی آن‌ها در کوتاه‌مدت کمتر بوده تا با کاهش نقدینگی، صندوق بتواند مانع برداشت بی‌رویه دولت‌ها از منابع صندوق شد.

### در خصوص رابطه مالی شرکت ملی نفت ایران با درآمدهای نفتی و به طور عمده باید موارد زیر مد نظر قرار گیرد:

- شفافیت و نظارت دقیق باید در درآمدها و هزینه‌های شرکت ملی نفت ایران برای تعیین کارشناسی میزان سهم‌بری شرکت از درآمدهای نفتی صورت بگیرد.
- باید بعد از تعیین دقیق و کارشناسی سهم شرکت ملی نفت، سقفی برای بهره‌مندی شرکت ملی نفت از درآمدهای نفتی صورت گیرد و با ایجاد حساب ذخیره درآمدی و حتی‌الامکان به‌صورت ارزی در شرکت ملی نفت، در صورت افزایش درآمدهای نفتی، مازاد سقف تعیین شده در حساب ذخیره آن شرکت پس‌انداز شده و در صورت کمبود درآمدهای ارزی، شرکت از آن حساب بهره‌مند شود. همچنین از منابع این حساب می‌توان برای افزایش سرمایه موجود، سرمایه‌گذاری نیز صورت گیرد. سازوکار این حساب نیاز به کارشناسی دقیق دارد. همچنین برای ایجاد شفافیت در این حساب، لازم است نظارت دقیق توسط ارگان‌های نظارتی بر عملکرد این حساب صورت گیرد.

## مقدمه

وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی باعث شده است که اقتصاد کشور به طور مستقیم تحت تأثیر نوسانات قیمت نفت قرار گیرد، به طوری که ممکن است با افزایش و کاهش قیمت نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن، دچار بحران شود. زیرا از یک سو، افزایش قیمت نفت و در پی آن، افزایش درآمدهای ارزی حاصل از آن، اگرچه باعث افزایش درآمدهای دولت شده ولی در پی آن، افزایش هزینه‌های دولت باعث اتلاف منابع مالی و درآمدی دولت می‌گردد. از سوی دیگر، با کاهش قیمت نفت و به دنبال آن با کاهش درآمدهای ارزی کشور، نه تنها نمی‌توان به سرعت هزینه‌های افزایش دولت را پایین آورد بلکه شاید نتوان هزینه‌های ضروری کشور را نیز پوشش داد.

در مورد وابستگی بودجه کشور به نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن، ذکر دو نکته حائز اهمیت است:

۱- افزایش و کاهش قیمت نفتی و درآمدهای ارزی کشور، می‌تواند اثرات مخربی نظیر افزایش نقدینگی، تورم و ... بر اقتصاد کشور داشته باشد.

۲- نفت، سرمایه ملی محسوب می‌شود و مختص به یک نسل نیست و عدم توجه به سهم نسل‌های آتی، نوعی بی‌عدالتی بین نسلی محسوب می‌گردد.

این مسئله مبتلابه بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت خام و منابع طبیعی است. لذا برای رفع مسائل مذکور، کشورهای تک‌محصولی بر پایه نفت تلاش کرده‌اند که اقتصاد خود را از بند وابستگی به درآمدهای نفتی نجات دهند. در ایران نیز اقدامات متعددی در این زمینه انجام شده است، ولی به نظر می‌رسد اقدامات صورت گرفته حاصل به مقصود نبوده است. یکی از اقدامات دولت در این زمینه، تشکیل صندوق توسعه ملی برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفت و تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت، گاز، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی بوده است. در این راستا، تجهیز و تخصیص درآمدهای نفتی بین شرکت ملی نفت ایران، صندوق توسعه ملی و درآمد عمومی دولت نیز در قوانین بودجه مورد تأکید و توجه قرار گرفته است که سهم شرکت ملی نفت، ۱۴/۵ درصد از ارزش نفت و میعانات گازی است. همچنین، به موجب قانون برنامه پنجم توسعه مصوب سال ۱۳۸۹، سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفت، حداقل ۲۰ درصد در سال اول که در هر سال

به میزان ۳ درصد افزایش می‌یابد و در قانون برنامه ششم توسعه کشور، سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی حداقل ۳۰ درصد در سال اول که هر سال ۲ درصد افزایش می‌یابد. مابقی نیز از درآمدهای عمومی دولت به حساب می‌آید. ذکر این نکته ضروری است که در رابطه با درآمدهای نفتی، بخشی از درآمدهای نفتی که حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی است بین شرکت ملی نفت، دولت و صندوق توسعه ملی توزیع می‌شود، ولی در سایر درآمدهای نفتی که ناشی از فروش داخلی نفت خام و میعانات گازی، سایر مشتقات نفتی، گاز طبیعی و ... است، صندوق توسعه ملی سهمی ندارد و درآمدهای حاصل از آنها بین شرکت ملی نفت و دولت توزیع می‌گردد. لذا در این گزارش، صرفاً درآمدهای ارزی که بین شرکت نفت، صندوق توسعه ملی و دولت توزیع می‌شود مورد توجه قرار گرفته و سایر درآمدهای نفتی که نیاز به مطالعات جامع‌تر در خصوص رابطه مالی دولت با شرکت ملی نفت دارد، مد نظر این گزارش نیست. بر این اساس نکات حائز اهمیت و مسائل مهم در این گزارش به شرح زیر است:

- آیا این نوع تخصیص می‌تواند اهداف تعیین شده را پوشش دهد؟

- آیا این نوع تقسیم‌بندی درآمدهای ارزی برای پوشش هزینه‌ها قابل اتکا است؟ به عنوان مثال، در صورت کاهش درآمدهای ارزی، دولت چه راهکاری برای پوشش هزینه‌های خود دارد؟

- در صورت افزایش درآمدهای ارزی کشور، دریافتی بیشتر توسط شرکت نفت (بدون آگاهی و نظارت از عملکرد هزینه‌های شرکت) باعث افزایش هزینه‌های شرکت مربوطه و اتلاف منابع ارزی نمی‌شود؟

- آیا صندوق توسعه ملی با کاهش درآمدهای ارزی، می‌تواند تعهدات مالی خود را برای بخش غیردولتی تأمین کند و مأموریت صندوق برای حفظ سهم نسل‌های آتی را تحقق بخشد؟ و ...

از این‌رو، بر اساس مسائل و نکات مطرح شده، سازماندهی گزارش حاضر به این شرح است:

بعد از مقدمه، ابتدا تحلیلی از روندهای گذشته توزیع درآمدهای ارزی بین شرکت نفت، صندوق توسعه ملی و بودجه دولت صورت گرفته است. در بخش بعدی، سیاست‌های اتخاذ شده بیان شده است. سپس جنبه‌های ساختاری و عملیاتی از لحاظ وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفت ارزیابی شده است. پس از آن، جنبه‌های قانونی موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، محدودیت‌ها و چالش‌های پیش رو مطرح و درنهایت راهکارها و اقدامات اصلاحی ارائه شده است.

## ۱- تحلیلی از روندهای گذشته توزیع درآمدهای ارزی بین شرکت نفت، صندوق توسعه ملی و بودجه دولت

در رابطه با توزیع درآمدهای ارزی کشور بین شرکت ملی نفت، صندوق توسعه ملی و دولت، ابتدا سهم صندوق توسعه ملی بر اساس قوانین برنامه پنجم و ششم توسعه کشور و نیز درصد تحقق در عمل در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: سهم صندوق توسعه ملی بر اساس قوانین برنامه پنجم و ششم توسعه کشور و نیز درصد تحقق در عمل

تسهیلات به دولت	در عمل	قوانین		سال
		بودجه	برنامه	
-	۱۴/۷	۲۰	-	۱۳۸۹
-	۱۷/۳	۲۰	۲۰	۱۳۹۰
-	۲۱/۶	۲۳	۲۳	۱۳۹۱
-	۱۷/۷	۲ + ۲۶	۲۶	۱۳۹۲
-	۲۳/۲	۲ + ۲۹	۲۹	۱۳۹۳
-	۲۱/۹	۲۰	۳۲	۱۳۹۴
-	۱۳/۶	۲۰	۳۵	۱۳۹۵
-	۲۲/۲	۳۰	۳۰	۱۳۹۶
۱۲	۱۵/۱	۲۰	۳۲	۱۳۹۷
۱۴	۱۸/۳	۲۰	۳۴	۱۳۹۸
۱۶	۱۹/۸	۲۰	۳۶	۱۳۹۹ (چهار ماهه اول)
-	-	۲۰	۳۸	۱۴۰۰

منبع: قوانین بودجه سنواتی کشور و محاسبات سازمان برنامه و بودجه کشور.

بر اساس داده‌ها و اطلاعات فوق باید بیان کرد که:

- بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه کشور، مقرر شده بود که در سال اول برنامه ۲۰ درصد از درآمدهای ارزی کشور به صندوق توسعه ملی اختصاص یابد و سالانه ۳ درصد به این سهم افزوده شود؛ یعنی در سال آخر برنامه پنجم (۱۳۹۵) باید سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای ارزی کشور ۳۵ درصد باشد.
- در قانون بودجه سال ۱۳۹۰، مقرر شد ۲۰ درصد از درآمدهای ارزی مطابق با برنامه پنجم توسعه کشور به صندوق توسعه ملی اختصاص یابد، ولی در عمل ۱۷/۳ درصد از آن محقق شد.
- در قانون بودجه سال دوم برنامه (۱۳۹۱) مقرر شد مطابق برنامه ۲۳ درصد به صندوق توسعه ملی اختصاص یابد، ولی در عمل ۲۱/۶ درصد از درآمدهای ارزی به حساب صندوق واریز شد که با کسر ۲ درصد برداشت دولت از صندوق و درآمدهای ارزی کشور در آن سال، در حقیقت ۱۹/۶ درصد از درآمدهای ارزی در حساب صندوق باقی ماند.

- در قانون بودجه سال سوم برنامه (۱۳۹۲) مقرر شد ۲۸ درصد (۲۶ درصد تعیین شده در برنامه به‌علاوه ۲ درصد بدهی سال قبل دولت به صندوق) از درآمدهای ارزی به حساب صندوق واریز شود که در عمل ۱۷/۷ درصد واریز شد.
  - در قانون بودجه سال چهارم برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۳)، از ۳۱ درصد هدف بودجه برای واریز درآمدهای ارزی کشور به صندوق (۲۹ درصد تعیین شده در برنامه به‌علاوه ۲ درصد بدهی دولت به صندوق منتقل شده از دو سال قبل)، در عمل ۲۳/۲ درصد واریز شد.
  - در قوانین بودجه سال‌های پنجم و ششم برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴ و ۱۳۹۵) مقرر شد ۲۰ درصد از درآمدهای ارزی دولت به صندوق واریز شود که با اهداف تعیین شده در برنامه در تضاد بوده و در عمل به ترتیب ۲۱/۹ و ۱۳/۶ درصد از درآمدهای ارزی کشور به صندوق واریز شد.
  - بر اساس قانون برنامه ششم توسعه کشور، مقرر شده بود که در سال اول برنامه ۳۰ درصد از درآمدهای ارزی کشور به صندوق توسعه ملی اختصاص یابد و سالانه ۲ درصد به این سهم افزوده شود؛ یعنی در سال آخر برنامه ششم (۱۴۰۰) باید سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای ارزی کشور ۳۸ درصد باشد.
  - در قانون بودجه سال ۱۳۹۶، مقرر شد ۳۰ درصد از درآمدهای ارزی مطابق با برنامه ششم توسعه کشور به صندوق توسعه ملی اختصاص یابد، ولی در عمل سهم صندوق از درآمدهای ارزی کشور، ۲۲/۲ درصد شد.
  - در قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ مقرر شد سالانه ۲۰ درصد از درآمدهای ارزی به حساب صندوق توسعه ملی واریز شود و مابه‌التفاوت سهم (درصد) تعیین شده در برنامه ششم توسعه و در قوانین بودجه مذکور از سهم صندوق توسعه ملی که به ترتیب برابر با ۱۲، ۱۴ و ۱۶ درصد است، به دولت داده شود که به عنوان بدهی دولت به صندوق توسعه ملی حساب شود. در عمل نیز در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب سهم صندوق از درآمدهای ارزی دولت، ۱۵/۱ و ۱۸/۳ درصد بوده است. در چهارماهه سال ۱۳۹۹ نیز ۱۹/۸ درصد از درآمدهای ارزی دولت به صندوق واریز شد.
  - بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۰ نیز، سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفتی کشور ۲۰ درصد بیان شده است و مابه‌التفاوت آن با هدف برنامه ششم توسعه کشور یعنی ۱۸ درصد به عنوان بدهی دولت به صندوق، تلقی شود.
- لازم به ذکر است بعد از کسر سهم شرکت ملی نفت از منابع حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی که پس از کسر سهم ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید، ۱۴/۵ درصد بوده و نیز سهم صندوق توسعه ملی، مابقی سهم بودجه عمومی دولت از درآمدهای ارزی کشور حاصل از صادرات نفت

## تحلیل و تبیین درآمدهای ارزی کشور و تعیین سهم وزارت نفت و صندوق توسعه ملی و بودجه عمومی دولت

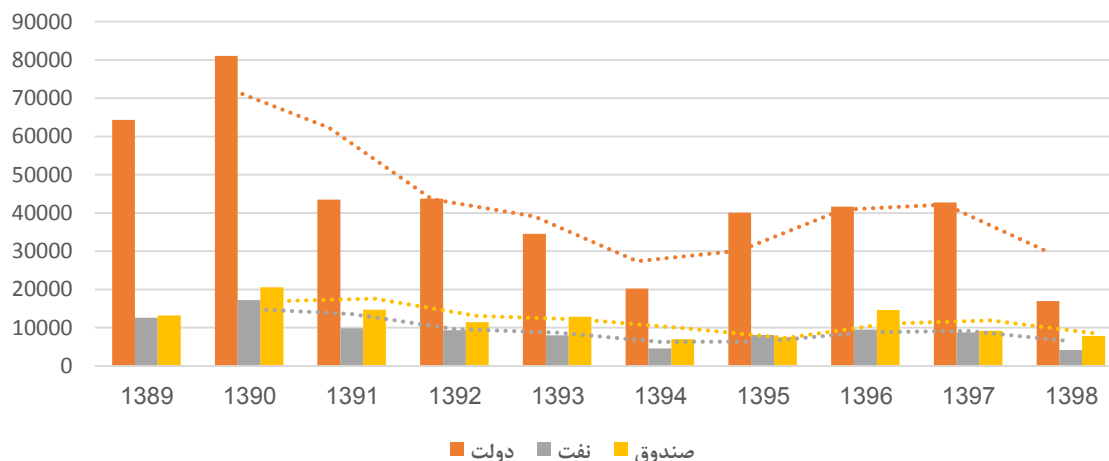
خام و میعانات گازی است که در ادامه در جدول ۲ و نمودارهای ۱ و ۲ درآمد نفت، شرکت نفت و صندوق توسعه ملی از محل صادرات نفت بر اساس درصد سهم آنها محاسبه و ارائه شده است.

جدول ۲: درآمد دولت، شرکت نفت و صندوق توسعه ملی از محل صادرات نفت\* (میلیون دلار)

سال	درآمدهای نفتی از محل صادرات نفت	سهم درآمدی		
		دولت	شرکت نفت	صندوق
۱۳۸۹	۹۰۱۹۱	۶۴۳۲۸	۱۲۶۲۷	۱۳۲۳۶
۱۳۹۰	۱۱۸۸۶۱	۸۱۰۸۵	۱۷۲۳۵	۲۰۵۴۱
۱۳۹۱	۶۸۰۵۸	۴۳۵۰۲	۹۸۶۸	۱۴۶۸۸
۱۳۹۲	۶۴۵۴۰	۴۳۷۵۷	۹۳۵۸	۱۱۴۲۵
۱۳۹۳	۵۵۴۰۶	۳۴۷۵۷	۸۰۳۴	۱۲۸۴۵
۱۳۹۴	۳۱۸۴۸	۲۰۲۴۳	۴۶۱۸	۶۹۸۷
۱۳۹۵	۵۵۷۵۲	۴۰۰۸۹	۸۰۸۴	۷۵۷۹
۱۳۹۶	۶۵۸۱۸	۴۱۶۴۶	۹۵۴۴	۱۴۶۲۸
۱۳۹۷	۶۰۷۳۵	۴۲۷۳۹	۸۸۰۷	۹۱۸۹
۱۳۹۸	۲۹۰۱۶	۱۶۹۵۸	۴۲۰۷	۷۸۵۱
۱۳۹۹ (چهار ماهه)	۱۳۸۳,۳	-	-	۲۷۳,۶

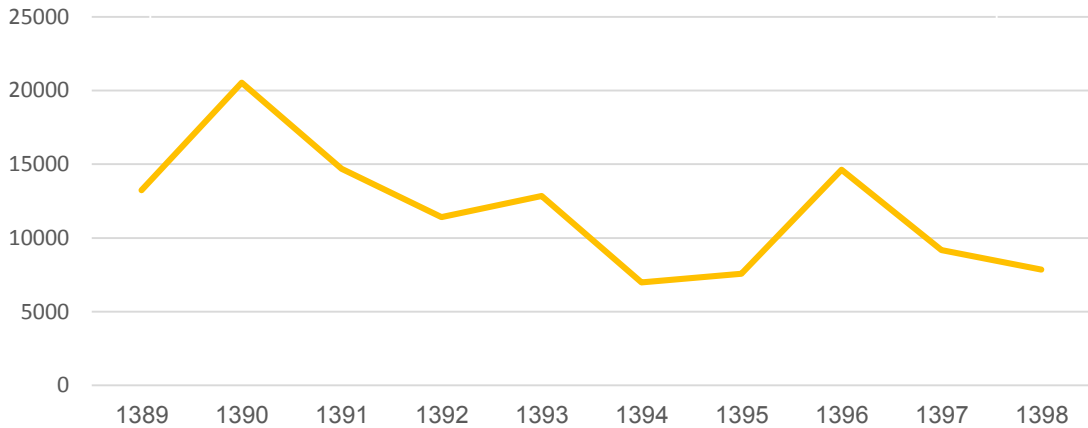
منبع: نماگرهای بانک مرکزی و قوانین و لوایح بودجه سنواتی.

\* توضیح: ارقام عملکردی است. درآمدهای نفتی شامل صادرات نفت خام، گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی می‌باشد.



نمودار ۱: درآمد دولت، وزارت نفت و صندوق توسعه ملی از صادرات نفت (میلیون دلار)

منبع: محاسبات تحقیق بر اساس قوانین بودجه



نمودار ۲: منابع ورودی صندوق توسعه ملی از صادرات نفتی (میلیون دلار)

منبع: محاسبات تحقیق

بر اساس داده‌ها و اطلاعات جدول ۲ و نمودارهای ۱ و ۲ می‌توان بیان کرد که طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۹، درآمدهای نفتی از محل صادرات نفت به شرح زیر است:

- در سال ۱۳۸۹، درآمدهای نفتی ۹۰،۱۹۱ میلیون دلار بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۱۱۸،۸۶۱ میلیون دلار افزایش یافته است. در سال ۱۳۹۱ به علت تحریم‌ها، درآمدهای نفتی به ۶۸،۰۵۸ میلیون دلار کاهش یافت که این روند کاهشی ادامه یافت و به ۳۱،۸۴۸ میلیون دلار در سال ۱۳۹۴ رسید. سپس تا سال ۱۳۹۶، روند افزایشی پیدا کرده و به ۶۵،۸۱۸ میلیون دلار در سال ۱۳۹۶ رسید. اما به علت تشدید تحریم‌ها دوباره از سال ۱۳۹۷ روند کاهشی داشته و به ۲۹،۰۱۶ میلیون دلار در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۸۳/۳ میلیون دلار در چهارماهه اول سال ۱۳۹۹ رسیده است.
- درآمدهای نفتی از محل صادرات نفت از ۹۰،۱۹۱ میلیون دلار در سال ۱۳۸۹ به ۲۹،۰۱۶ میلیون دلار در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است.
- طی سال‌های مورد بررسی، بالاترین درآمدهای نفتی از محل صادرات نفت مربوط به سال ۱۳۹۰ و پایین‌ترین مربوط به سال ۱۳۹۸ است.
- با کاهش درآمدهای نفتی حاصل از صادرات نفت، سهم ۱۴/۵ درصدی شرکت نفت از محل درآمدهای نفتی و نیز سهم صندوق از صادرات نفت به طور نسبی طی سال‌های مورد بررسی، روند کاهشی داشته است.

در مورد منابع حاصل از صادرات نفت و گاز در بودجه سال ۱۳۹۹، می‌توان بیان کرد کل درآمد ارزی کشور حاصل از صادرات نفت برابر ۱۸/۲۵ میلیارد دلار و درآمدهای ارزی صادرات نفت و



گاز برابر با ۲۲/۲۵ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است. درآمد نفتی دولت از کل درآمدهای ارزی نفت برابر ۱۱ میلیارد دلار می‌شود. درآمد صندوق توسعه ملی از کل درآمدهای نفتی، معادل ۸ میلیارد دلار و شرکت نفت با سهم ۱۴/۵ درصد برابر ۳/۲ میلیارد دلار است.

- در مورد درآمد دولت از محل صادرات نفت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ نیز می‌توان بیان کرد: مطابق جدول شماره (۲) پیوست (۲) لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، منابع دولت حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی برابر با ۱،۹۹۲،۷۲۰ میلیارد ریال است. رقم فوق که سهم دولت بوده معادل ۶۵،۵ درصد کل درآمد کشور حاصل از صادرات نفت است. مابقی سهم وزارت نفت به میزان ۱۴،۵ درصد و سهم صندوق توسعه ملی به میزان ۲۰ درصد است. بنابراین کل درآمد نفتی برابر ۳،۰۴۲،۳۲۵ میلیارد ریال خواهد بود. با توجه به نرخ ارز اعلام شده در مصاحبه از سوی رئیس سازمان برنامه و بودجه برابر با ۱۱۵،۰۰۰ ریال برای هر دلار، با تقسیم درآمد ریالی به نرخ دلار اعلام شده، درآمد ارزی سال کشور حاصل از صادرات نفت برابر با ۲۶/۴۵۵ میلیارد دلار خواهد بود. اگر درآمد ارزی سال کل کشور در ۶۵،۵ درصد ضرب شود، ۱۷،۳۲۸،۰۲۵،۰۰۰ دلار سهم دولت خواهد بود. به این ترتیب، سهم ۲۰ درصدی صندوق توسعه ملی، برابر با ۳،۸۳۵،۹۷۵،۰۰۰ دلار خواهد بود. لازم به ذکر است، مبنای درآمدهای نفتی بودجه ایران در سال ۱۴۰۰، با نفت ۴۰ دلاری و فروش روزانه ۲/۳ میلیون بشکه شامل صادرات و پیش‌فروش داخلی آن در نظر گرفته شده است.

جدا از نامشخص بودن چگونگی سهم ۱۴/۵ درصد شرکت نفت از درآمدهای نفتی کشور، بر اساس گزارش‌های مطرح شده، سهم تولید هر بشکه نفت در ایران نسبت به متوسط جهانی بسیار پایین است. اما ایران در شرایط کنونی از تکنولوژی روز بهره‌برداری از میدین نفتی برخوردار نیست، این در حالی است که نفت شیل یا نفت نامتعارف تحت تأثیر پیشرفت‌های عظیم تکنولوژیکی توانسته است به بهره‌برداری برسد و دارندگان ذخایر نامتعارف نفت به رقاباتی جدی برای دارندگان سنتی نفت بدل شده‌اند. ایران نیز تا اواسط دهه آینده می‌تواند از ذخایر توسعه نیافته برای جبران کاهش برداشت از ذخایر توسعه یافته خود استفاده کند. این بدان معناست ذخایری که هنوز آماده بهره‌برداری نیستند باید به مرحله‌ای برسند که بتوان بهره‌برداری از آنها را آغاز کرد. مشکل اصلی پس از اواسط دهه آینده آغاز می‌شود، وقتی که حفظ سهم جهانی نفت، نیازمند بهره‌برداری از تعداد بیشتری چاه، تزریق مقادیر بیشتری گاز طبیعی، استخراج مصنوعی و سرمایه‌گذاری در این بخش است. بنابراین، با وجود اینکه انتظار می‌رود درآمد ناخالص افزایش یابد، افزایش هزینه‌های تولید به‌علاوه افزایش مصرف در داخل کشور، اجازه افزایش صادرات را از سطح مشخص پس از سال ۲۰۲۵ نمی‌دهد. به این ترتیب، صنعت نفت و گاز در ایران نیاز به تکنولوژی و

سرمایه‌گذاری به صورت جدی دارد.<sup>۱</sup> بنابراین، در این راستا ابتدا باید بررسی شود که سهم تعیین شده برای شرکت نفت کم، یا زیاد است؟

در صورت کم بودن سهم شرکت نفت، تدابیر لازم باید برای افزایش سهم آن و نیز بهبود تکنولوژیکی استخراج نفت اتخاذ شود. اما در صورت مازاد بودن سهم شرکت نفت باید تدابیر لازم برای ذخیره‌سازی مازاد درآمدهای شرکت نفت و بهره‌مندی از آن برای توسعه این حوزه صورت گیرد؛ که البته تمام موارد مطرح شده نیاز به بررسی کارشناسانه در این حوزه دارد.

---

1. <https://www.khabaronline.ir/news/1241267/>

## ۲- بررسی سیاست‌های نفتی

اگرچه در ایران، جداسازی درآمد نفت از درآمد عمومی دولت و واریز آن به یک حساب مخصوص، از سال ۱۳۰۸ آغاز شده، اما پیدایش درآمد نفت به عنوان اصلی‌ترین منبع مالی بودجه دولت، اقتصاد ایران را بعد از دهه ۱۳۳۰، وارد دوران جدیدی کرده است. وظیفه دولت‌های ایران تا قبل از دهه ۱۳۳۰، تجهیز منابع داخلی (مالیات و حراج) برای تأمین هزینه‌های دولت در یک اقتصاد عمدتاً زراعی محدود بود. از آن زمان به بعد، دولت‌ها وظیفه تخصیص و توزیع درآمد نفت را عهده‌دار شدند. این پدیده ماهیت ارتباط دولت با اقتصاد کشور را دگرگون کرده است.<sup>۱</sup>

ایجاد صندوق‌های ذخیره ارزی یا صندوق‌های نفتی، یکی از راه‌های مدیریت ثروت نفتی در کشورهای مختلف است. صندوق‌های نفتی یا چاره‌ساز مشکلات ایجاد شده در نتیجه نوسان‌ها و نااطمینانی‌های مربوط به درآمد نفتی کشورهای صادرکننده نفت هستند (صندوق‌های تثبیت‌کننده) یا بخشی از درآمدهای نفتی را برای نسل‌های آینده پس‌انداز می‌کنند.

در ادبیات اقتصادی، اگرچه حساب ذخیره ارزی ایران، عنوان صندوق در مفهوم یک نهاد مالی را ندارد، اما نقش صندوق‌های با ثبات‌سازی نفت را بازی می‌کند. یکی از انگیزه‌های مهم در تأسیس سازمان برنامه در سال ۱۳۲۸ آن بود که درآمدهای نفتی، برای ایجاد ظرفیت‌های تولیدی و زیربنایی خارج از چارچوب بودجه‌های سنواتی صرف شود. بنابراین، تشکیل حساب ذخیره ارزی در ایران در همین راستا بوده است.<sup>۲</sup> حساب ذخیره ارزی در سال ۱۳۷۹ به موجب ماده (۶۰) قانون برنامه سوم توسعه کشور تشکیل شد. بر اساس قانون مذکور داریم:

«ماده (۶۰) - در جهت ایجاد ثبات در میزان درآمدهای ارزی و ریالی حاصل از صدور نفت خام در دوران برنامه سوم توسعه و تبدیل دارائی حاصل از فروش نفت به دیگر انواع ذخایر و سرمایه‌گذاری و امکان تحقق دقیق فعالیت‌های پیش‌بینی شده در برنامه، دولت مکلف است با ایجاد «حساب ذخیره ارزی حاصل از درآمد نفت خام» و «حساب ذخیره ریالی» اقدامات زیر را به عمل آورد:

الف - از سال ۱۳۸۰ مزاد درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام در پایان هر سال نسبت به ارقام پیش‌بینی شده در جدول شماره (۲) این قانون در حساب سپرده دولت نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با عنوان «حساب ذخیره ارزی درآمد نفت خام» نگهداری می‌شود.

۱. مردوخ (۱۳۸۹)

۲. عباسی (۱۳۸۶)

ب - از آغاز سال سوم برنامه، در صورتی که درآمد ارزی حاصل از صدور نفت خام، کمتر از ارقام مندرج در جدول شماره (۲) این قانون باشد، دولت در فواصل زمانی شش ماهه می‌تواند از موجودی حساب ذخیره ارزی برداشت کند. معادل ریالی این وجوه در حساب درآمد عمومی دولت منظور می‌گردد.

ج - بخشی از مانده وجوه ارزی حساب موضوع بند (الف) این ماده در چارچوب اولویت‌های برنامه سوم جهت توسعه فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری بر اساس نرخ مبادله روز به فروش رسیده و معادل ریالی آن در «حساب ذخیره ریالی» نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می‌شود. پس از حصول اطمینان از تحقق درآمدهای ریالی پیش‌بینی شده در قانون بودجه هر سال، اعطای وام کوتاه‌مدت برای فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری از محل باقیمانده وجوه ارزی مجاز خواهد بود.

د - استفاده از وجوه «حساب ذخیره ریالی» برای تأمین هزینه‌های بودجه عمومی دولت صرفاً در صورت کاهش درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام نسبت به رقم مصوب و عدم امکان تأمین اعتبارات مصوب از مالیات و سایر منابع، مجاز خواهد بود و استفاده از آن برای تأمین کسری ناشی از درآمدهای غیرنفتی بودجه عمومی دولت ممنوع است.

ه - آیین‌نامه اجرائی این ماده به پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارائی طی مدت سه ماه از تصویب این قانون به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.<sup>۱</sup>

از آنجایی که درآمدهای ناشی از صادرات نفت، در سال ۱۳۷۹ بیش از مبلغ پیش‌بینی شده بود، از این رو، اصلاحیه ماده ۶۰ مصوب ۱۳۷۹/۷/۱۹، دولت را مکلف کرد تا با ایجاد حساب ذخیره ارزی، از نیمه دوم سال ۱۳۷۹، مازاد درآمدهای ارزی نسبت به ارقام مصوب در قانون برنامه پنج‌ساله را در حساب سپرده دولت نزد بانک مرکزی نگهداری کند. آیین‌نامه اجرایی ماده ۶۰ قانون برنامه سوم، در ۱۳۷۹/۸/۱۸ به تصویب رسید و عملیات اجرایی حساب ذخیره ارزی، با همکاری نظام بانکی و تحت نظارت هیئت امنای حساب ذخیره ارزی، از دی ماه ۱۳۷۹ آغاز شد.

در ماده دوم این آیین‌نامه بیان شده است: بانک مرکزی موظف است از آغاز سال ۱۳۸۰، در طول چهار ماه اول سال، معادل ریالی ۱۰۰ درصد درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام در ماه‌های یادشده را به حساب درآمد عمومی مربوطه واریز کند و از ماه پنجم تا تأمین سقف مجاز ایجاد تعهدات ارزی سال، معادل ریالی یک دوازدهم سقف مزبور را به حساب درآمد عمومی و بقیه را به صورت ارزی به حساب

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۲)

ذخیره ارزی واریز کند. پس از تأمین تمام بودجه سالانه، کلیه مبالغ دریافتی به حساب ارزی واریز می‌شود.<sup>۱</sup>

همچنین بر اساس ماده (۱) برنامه چهارم توسعه کشور، نحوه تجهیز منابع درآمدی نفتی دولت به شرح زیر است:

«ماده (۱) - به منظور ایجاد ثبات در میزان استفاده از عواید ارزی حاصل از نفت در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تبدیل دارائی‌های حاصل از فروش نفت به دیگر انواع ذخایر و سرمایه‌گذاری و فراهم کردن امکان تحقق فعالیت‌های پیش‌بینی شده در برنامه، دولت مکلف است با ایجاد «حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت» اقدام‌های زیر را معمول دارد:

الف - از سال ۱۳۸۴ مازاد عواید حاصل از نفت نسبت به ارقام پیش‌بینی شده در جدول شماره (۸) این قانون در حساب سپرده دولت نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت» نگهداری می‌شود.

ب - معادل مانده «حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت خام» موضوع ماده (۶۰) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ با اصلاحات آن در پایان سال ۱۳۸۳ و همچنین مانده مطالبات دولت از اشخاص ناشی از تسهیلات اعطائی از محل موجودی حساب یاد شده در ابتدای سال ۱۳۸۴ از طریق شبکه بانکی به «حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت» واریز می‌گردد.

ج - استفاده از وجوه حساب ذخیره ارزی برای تأمین مصارف بودجه عمومی دولت صرفاً در صورت کاهش عواید ارزی حاصل از نفت نسبت به ارقام جدول شماره (۸) این قانون و عدم امکان تأمین اعتبارات مصوب از محل سایر منابع درآمدهای عمومی و واگذاری دارائی‌های مالی مجاز خواهد بود. در چنین صورتی، دولت می‌تواند در فواصل زمانی سه ماهه از موجودی حساب ذخیره ارزی پرداخت نماید. معادل ریالی این وجوه به حساب درآمد عمومی دولت واریز می‌گردد. استفاده از حساب ذخیره ارزی برای تأمین کسری ناشی از عواید غیرنفتی بودجه عمومی ممنوع است.

د - به دولت اجازه داده می‌شود حداکثر معادل پنجاه درصد (۵۰٪) مانده موجودی حساب ذخیره ارزی برای سرمایه‌گذاری و تأمین بخشی از اعتبار مورد نیاز طرح‌های تولیدی و کارآفرینی صنعتی، معدنی، کشاورزی، حمل و نقل، خدمات (از جمله گردشگری و...)، فناوری و اطلاعات و خدمات فنی-مهندسی بخش غیردولتی که توجیه فنی و اقتصادی آنها به تأیید وزارتخانه‌های تخصصی ذی‌ربط رسیده است از

۱. عباسی (۱۳۸۶)

طریق شبکه بانکی داخلی و بانک‌های ایرانی خارج از کشور به صورت تسهیلات با تضمین کافی استفاده نماید.

ه- حداقل ده درصد (۱۰٪) از منابع قابل تخصیص حساب ذخیره ارزی به بخش غیردولتی در اختیار بانک کشاورزی قرار می‌گیرد تا به صورت ارزی-ریالی جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های موجه بخش کشاورزی و سرمایه در گردش طرح‌هایی که با هدف توسعه صادرات انجام می‌شود توسط بانک کشاورزی در اختیار بخش غیردولتی قرار گیرد. اصل و سود این تسهیلات به صورت ارزی به حساب ذخیره ارزی واریز می‌گردد.

و - استفاده از وجوه حساب ذخیره ارزی موضوع این ماده صرفاً در قالب بودجه‌های سنواتی مجاز خواهد بود.

ز - آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.<sup>۱</sup> اهداف دولت از ایجاد حساب ذخیره ارزی عبارتند از:

- ایجاد ثبات در میزان درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام در برنامه سوم؛
- تبدیل دارایی‌های حاصل از فروش نفت خام به انواع دیگر دارایی‌ها؛
- سرمایه‌گذاری و امکان تحقق فعالیت‌های پیش‌بینی شده در برنامه سوم.

با توجه به مسائل مطرح شده به نظر می‌رسد، در تشکیل این حساب، انگیزه پس‌انداز به صورت جدی مطرح نبوده است. همچنین، به دلیل نبود ظرفیت جذب کافی در بخش خصوصی و توجه ناکافی دولت برای ایجاد تمهیدات کافی برای ارتقای این ظرفیت (نظیر ایجاد فضای رقابت، کاهش حجم و دخالت دولت و ایجاد فضای کافی برای فعالیت بخش خصوصی، نبود سیستمی برای پوشش ریسک کاهش ارزش دلار و نظایر آن)، امکان جذب مصارف بند (ج) بر اساس هدف قانون‌گذار (۵۰ درصد منابع ورودی به حساب ذخیره) نیز فراهم نشده و با انباشته شدن منابع مالی در این حساب، دولت فقط با انواع مجوزها و توجیهات سیاسی و اجتماعی قادر به برداشت و مصرف این منابع شده است، در حالی که هدف اصلی، کنترل مصرف این درآمدها توسط دولت است. چراکه این نوع مصارف دارای آثار منفی در اقتصاد خواهد بود.<sup>۲</sup>

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۴)

۲. حاجی میرزایی (۱۳۸۶)

برداشت‌های مکرر از حساب ذخیره ارزی در قالب اصلاحات متعدد ماده (۶۰) قانون برنامه سوم توسعه کشور، باعث ایجاد صندوق توسعه ملی بر اساس بند (۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه کشور سال ۱۳۸۷ شد. بر اساس بند (۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه کشور داریم:

بند (۲۲) - تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی» و ایجاد صندوق توسعه ملی با تصویب اساسنامه آن در مجلس شورای اسلامی در سال اول برنامه پنجم و برنامه‌ریزی برای استفاده از مزیت نسبی نفت و گاز در زنجیره صنعتی و خدماتی و پایین‌دستی وابسته به آن با رعایت:

۲۲-۱- واریز سالانه حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی.

۲۲-۲- ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی با هدف تولید و توسعه سرمایه‌گذاری در داخل و خارج کشور با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی.

۲۲-۳- قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه.

در بندهای (ح) و (ط) ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم توسعه کشور (۱۳۹۰-۱۳۹۵) به ترتیب به منابع و مصارف صندوق اشاره شده که به شرح ذیل است:

### ح - منابع صندوق:

۱- حداقل معادل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام و میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی) در سال‌های برنامه و تعیین مبلغ آن در قوانین بودجه سنواتی.

۲- حداقل بیست درصد (۲۰٪) ارزش صادرات تهاتری اقلام فوق‌الذکر.

۳- افزایش سهم واریزی از منابع بندهای (۱) و (۲) هر سال به میزان سه واحد درصد.

۴- پنجاه درصد (۵۰٪) مانده نقدی حساب ذخیره ارزی در پایان سال ۱۳۸۹ و سال‌های بعد.

۵- منابع قابل تحصیل از بازارهای پولی بین‌المللی با مجوز هیئت امناء با رعایت قوانین مربوط.

۶- سود خالص صندوق طی سال مالی.

۷- درآمد حاصل از سود موجودی حساب صندوق در بانک مرکزی، معادل میانگین نرخ سود سپرده‌های بانک مرکزی در بازارهای خارجی با محاسبه و پرداخت هر سه ماه یکبار.

۸- بیست درصد (۲۰٪) منابع موضوع جزء (د) بند (۴) قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور.

تبصره ۱- بازپرداخت اصل و سود تسهیلات پرداختی از محل صندوق توسعه ملی به حساب صندوق واریز و مجدداً در جهت اهداف صندوق به کار گرفته می‌شود.

تبصره ۲- حساب‌های صندوق فقط نزد بانک مرکزی نگهداری خواهد شد.

## ط - مصارف صندوق:

- ۱- اعطای تسهیلات به بخش‌های خصوصی، تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی برای تولید و توسعه سرمایه‌گذاری‌های دارای توجیه فنی، مالی و اقتصادی.
- ۲- اعطای تسهیلات صادرات خدمات فنی و مهندسی به شرکت‌های خصوصی و تعاونی ایرانی که در مناقصه‌های خارجی از طریق منابع خود یا تسهیلات سندیکایی برنده می‌شوند.
- ۳- اعطای تسهیلات خرید به طرف‌های خریدار کالا و خدمات ایرانی در بازارهای هدف صادراتی کشور.
- ۴- سرمایه‌گذاری در بازارهای پولی و مالی خارجی.
- ۵- اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران خارجی با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی به منظور جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری در ایران با رعایت اصل هشتم (۸۰) قانون اساسی است.
- ۶- تأمین هزینه‌های صندوق.

- تبصره ۱- استفاده از منابع صندوق برای اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و بازپرداخت بدهی‌های دولت به هر شکل ممنوع است.
- تبصره ۲- اعطای تسهیلات موضوع این ماده فقط به صورت ارزی است و سرمایه‌گذاران استفاده‌کننده از این تسهیلات اجازه تبدیل ارز به ریال در بازار داخلی را ندارند.
- تبصره ۳- اعطای کلیه تسهیلات صندوق صرفاً از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و غیردولتی خواهد بود.<sup>۱</sup> همچنین بر اساس بندهای (ح) و (خ) ماده (۱۶) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، منابع و مصارف صندوق به صورت شرح زیر است:

## ح - منابع صندوق:

- ۱- حداقل معادل سی درصد (۳۰٪) از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام، میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی) در سال‌های برنامه و تعیین مبلغ آن در قوانین بودجه سنواتی.
- ۲- حداقل بیست درصد (۲۰٪) ارزش صادرات تهاتری اقلام فوق‌الذکر.
- ۳- افزایش سهم واریزی از منابع بندهای (۱) و (۲) هر سال به میزان سه واحد درصد.
- ۴- پنجاه درصد (۵۰٪) مانده نقدی حساب ذخیره ارزی در پایان سال ۱۳۸۹ و سال‌های بعد.
- ۵- منابع قابل تحصیل از بازارهای پولی بین‌المللی با مجوز هیئت امنای با رعایت قوانین مربوط.
- ۶- سود خالص صندوق طی سال مالی.

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۹۱)



۷- درآمد حاصل از سود موجودی حساب صندوق در بانک مرکزی، معادل میانگین نرخ سود سپرده‌های بانک مرکزی در بازارهای خارجی با محاسبه و پرداخت هر سه ماه یک‌بار.

۸- بیست درصد (۲۰٪) منابع موضوع جزء (د) بند (۴) قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور.

تبصره ۱- بازپرداخت اصل و سود تسهیلات پرداختی از محل صندوق توسعه ملی به حساب صندوق واریز و مجدداً در جهت اهداف صندوق به کار گرفته می‌شود.

تبصره ۲- حساب‌های صندوق فقط نزد بانک مرکزی نگهداری خواهد شد.

### خ - مصارف صندوق:

۱- اعطای تسهیلات به بخش‌های خصوصی، تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی برای تولید و توسعه سرمایه‌گذاری‌های دارای توجیه فنی، مالی و اقتصادی.

۲- اعطای تسهیلات صادرات خدمات فنی و مهندسی به شرکت‌های خصوصی و تعاونی ایرانی که در مناقصه‌های خارجی از طریق منابع خود یا تسهیلات اتحادیه‌ای (سندیکایی) برنده می‌شوند.

۳- اعطای تسهیلات خرید به طرف‌های خریدار کالا و خدمات ایرانی در بازارهای هدف صادراتی کشور.

۴- سرمایه‌گذاری در بازارهای پولی و مالی خارجی.

۵- اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران خارجی با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی به منظور جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری در ایران با رعایت اصل هشتماد (۸۰) قانون اساسی می‌باشد.

۶- تأمین هزینه‌های صندوق.

تبصره ۱- استفاده از منابع صندوق برای اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و بازپرداخت بدهی‌های دولت به هر شکل ممنوع است.

تبصره ۲- اعطای تسهیلات موضوع این بند فقط به صورت ارزی است و سرمایه‌گذاران استفاده‌کننده از این تسهیلات اجازه تبدیل ارز به ریال در بازار داخلی را ندارند.

تبصره ۳- اعطای کلیه تسهیلات صندوق صرفاً از طریق عملیات بانک‌های دولتی و غیردولتی خواهد بود.<sup>۱</sup> همچنین بر اساس جزء (۱) بند (ب) ماده (۷) قانون برنامه ششم توسعه کشور داریم:

ماده (۷)- به‌منظور انطباق بودجه‌های سنواری با قانون برنامه ششم، انضباط مالی، اصلاح فرایند برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی و نظارت بر عملکرد و هزینه‌های دولت:

بند (ب)-

۱- سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت، میعانات گازی و خالص صادرات گاز در سال اول اجرای قانون برنامه سی درصد (۳۰٪) تعیین می‌شود و سالانه حداقل دو واحد درصد به این سهم اضافه می‌شود. بانک مرکزی مکلف است در طول سال و متناسب با وصول منابع بلافاصله نسبت به واریز این وجوه و سهم چهارده و نیم درصد (۱۴/۵٪) شرکت ملی نفت ایران از کل صادرات نفت و میعانات گازی و همچنین سهم سه درصد (۳٪) مناطق نفت‌خیز، گازخیز و توسعه‌نیافته اقدام کند و از محل باقیمانده، سهم بودجه عمومی دولت از منابع موضوع این جزء در سقف جدول شماره (۴) این قانون تعیین و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و مابقی را به حساب ذخیره ارزی واریز نماید. بر اساس جز (۳) بند (الف) ماده (۲۶) قانون برنامه ششم توسعه آمده است:

«از سهم سه درصدی استان‌های نفت‌خیز و کمتر توسعه یافته به ترتیب یک سوم از این درآمد به مناطق نفت‌خیز و دو سوم به بنادر و شهرستان‌ها و مناطق محروم اختصاص می‌یابد»<sup>۱</sup>.

لازم به ذکر است، قبل از قانون برنامه ششم توسعه کشور و بر اساس قانون الحاق یک تبصره به قانون اصلاح جداول شماره (۴) و (۸) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و به تبعیت از آن در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور، دو درصد (۲٪) از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی به استان‌های نفت‌خیز، گازخیز، شهرستان‌ها و بخش‌های محروم کشور اختصاص یافته بود.

بنابراین با توجه به سیاست‌ها و اقدامات بیان شده، به نظر می‌رسد سیاست‌های اتخاذ شده در راستای سهم‌بندی درآمدهای نفتی کشور برای بهره‌برداری بهینه نسل فعلی و آتی از درآمدهای نفتی صورت پذیرفته است و باید شرایط لازم برای اجرایی شدن و عملیاتی ساختن این سیاست‌ها صورت پذیرد.

### ۳- بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد کشور

در این بخش، اثرپذیری ساختار اقتصاد از شوک‌ها و درآمدهای نفتی و نیز میزان وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی مورد بررسی قرار گرفته است.

#### ۳-۱- اثر شوک‌های درآمدهای نفتی بر اقتصاد

از یک سو، با توجه به اینکه نوسانات متغیرهای کلان، از موانع رشد مطلوب اقتصادی است و از سوی دیگر، با توجه به نقش مهم درآمدهای نفتی در بودجه دولت، هر گونه شوک درآمدهای نفتی می‌تواند به دلیل ساختار معیوب، تأثیر نامطلوبی بر اقتصاد بگذارد. از این رو، اثر شوک‌ها و درآمدهای نفتی بر اقتصاد باید مورد توجه قرار گیرد.

شوک‌های درآمدهای نفتی از دو کانال عرضه و تقاضا می‌توانند بر اقتصاد اثرگذار باشند. اثرگذاری از کانال عرضه اقتصاد، معمولاً با وقفه صورت پذیرفته و با تأثیرگذاری بر ظرفیت تولیدی کشور، نقش خود را آشکار می‌سازند. این شوک‌ها، از طرف تقاضای کل نیز، می‌توانند در کوتاه‌مدت آثار خود را بر فعالیت‌های اقتصادی کشور بر جای بگذارند. در این راستا، هم شوک‌های مثبت و هم منفی درآمدهای ارزی ممکن است اثر نامناسبی بر اقتصاد کشور داشته باشند.

غالباً دولت‌ها تحت تأثیر شوک‌های منفی قیمت نفت، مجبور می‌شوند تا بر واردات کالا و خدمات محدودیت بیشتری را اعمال نمایند تا از طریق صرفه‌جویی‌های ارزی امکان تأمین نیازهای ضروری کشور و بازپرداخت به‌موقع تعهدات خارجی فراهم گردد. با توجه به اینکه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، بخش عمده‌ای از واردات آنها را کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه مورد نیاز بخش تولیدی تشکیل می‌دهند، محدودیت اعمال شده بر واردات می‌تواند آثار نامساعدی بر بخش تولیدی کشور بجای بگذارد. نتیجه اجتناب‌ناپذیر چنین شرایطی، بروز فشارهای تورمی، افزایش نرخ ارز، رکود اقتصادی و افزایش بیکاری در جامعه خواهد بود.

لازم به ذکر است، در اقتصادهای بهره‌مند از درآمد منابع طبیعی مانند نفت، درآمدهای نفتی را می‌توان منبعی مازاد برای نظام مالی این کشورها دانست. این درآمدها می‌توانند جایگزین پس‌اندازهای مردم شده و ممکن است با کم کردن کارایی پروژه‌های سرمایه‌گذاری و جلوگیری از عملکرد مکانیسم قیمت‌ها، موجب اختلال در رشد شوند. در این راستا، شوک‌های مثبت قیمت نفت نیز به گونه‌ای دیگر اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت را تحت تأثیر منفی قرار خواهند داد. آثار منفی ناشی از نوسان‌های قیمت‌ها، پیش‌بینی غلط قیمت‌ها و در نتیجه افزایش ریسک در تصمیم‌گیری و استفاده نادرست از منابع بادآورده (در نتیجه افزایش ناگهانی قیمت نفت) از عواملی هستند که آثار مثبت

احتمالی شوک‌های مثبت قیمت نفت را از بین می‌برند. همچنین، کشورهای دارای منابع طبیعی غنی از جمله نفت و گاز، با صادرات بی‌رویه نفت درآمدهای هنگفتی را کسب می‌کنند. این درآمدها ممکن است در یک بازه زمانی خاص ناشی از افزایش ناگهانی قیمت نفت باشد.

در حقیقت، افزایش قیمت نفت باعث افزایش ذخایر ارزی کشورهای صادرکننده نفتی می‌شود و قدرت تجویز این درآمدها را به اقتصاد داخلی افزایش می‌دهد. تزریق نادرست این منابع به اقتصاد ملی، می‌تواند اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت را دچار پدیده‌ای به نام بیماری هلندی کند که این بیماری ناشی از کسب درآمدهای حاصل از صادرات بی‌رویه نفت و افزایش قیمت نفت است. از سوی دیگر، در صورت اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی نامناسب، نابرابری درآمد در این کشورها افزایش می‌یابد.

از جمله پیامدهای افزایش قیمت نفت و کسب درآمدهای زیاد برای کشورهای صادرکننده آن، تقویت پول کشور مورد نظر یا کاهش نرخ ارز بوده که این مسئله در هر دو سیستم نرخ ارز ثابت و شناور مطرح است. در سیستم نرخ ارز شناور، ورود ارزهای خارجی باعث بالا رفتن ارزش پول ملی می‌شود. اما اگر سیستم نرخ ارز ثابت باشد یا توسط دولت کنترل شود، ورود ارز خارجی به داخل کشور باعث افزایش حجم پول شده که این موضوع افزایش نقدینگی و درنهایت انبساط تقاضا و افزایش قیمت‌ها را در پی خواهد داشت. همچنین، افزایش ارزش پول داخلی باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی شده که درنهایت، لطمه دیدن تولیدکنندگانی که در این شاخه فعالیت می‌کنند را به دنبال دارد، زیرا افزایش تورم داخلی باعث افزایش هزینه تولیدکنندگان می‌شود و از سوی دیگر، کالایی را تولید می‌کنند که رقیب خارجی ارزان‌تر تولید می‌کند، در نتیجه در صحنه بین‌المللی توان رقابتی خود را از دست داده و دچار رکود می‌شوند که این موضوع خود رکود اقتصادی، بیکاری و تورم بالا را در این کشورها در پی خواهد داشت.

همچنین از بعد مخارج دولتی، با کاهش درآمدهای نفتی، هزینه‌های جاری دولت که شامل هزینه بر روی کالاها و خدمات مثل دستمزدها، کارمزد، یارانه‌ها، هزینه‌های نظامی، آموزش، سلامت و ... است، افزایش می‌یابد. اما با کاهش درآمدهای نفتی، دولت نمی‌تواند بلافاصله هزینه‌های جاری خود را کاهش دهد و ابتدا با کاهش مخارج و هزینه‌های عمرانی که دربرگیرنده هزینه‌های ساخت یا توسعه تأسیسات و یا کالاهای سرمایه‌ای مثل جاده، فرودگاه و ... است، بخشی از اثرات کاهش درآمدهای نفتی را جبران

می‌کند؛ ولی در میان مدت دچار کسری بودجه شده و این کسری بودجه باعث استقراض دولت از سیستم بانکی شده و پیامدهای منفی مثل رشد نقدینگی و تورم را ایجاد می‌کند.<sup>۱</sup>

### ۳-۲- ارزیابی شاخص‌های وابستگی دولت به درآمدهای نفتی

مطابق قوانین برنامه و بودجه، منابع درآمدی دولت عمدتاً حاصل درآمدهای مالیاتی، واگذاری دارایی‌های مالی و واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و سود حاصل از فروش کالا و خدمات است. درآمدهای حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، شامل منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی؛ منابع ناشی از فروش اموال منقول و غیرمنقول و نیز منابع حاصل از واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است. همچنین، مصارف عمومی دولت نیز شامل پرداخت اعتبارات هزینه‌ای، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و تملک دارایی‌های مالی است. لذا برای بررسی وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی، می‌توان معیارها و شاخص‌های مختلفی نظیر نسبت درآمدهای نفت به بودجه عمومی و هزینه‌های جاری دولت؛ نسبت درآمد صادرات نفت به کل صادرات کشور و نیز سهم ارزش افزوده بخش نفت در GDP کشور را مورد توجه قرار داد.

### ۳-۲-۱- شاخص نسبت درآمدهای نفت به بودجه عمومی و هزینه‌های جاری دولت

در محاسبه نسبت درآمد نفت به بودجه عمومی دولت، وابستگی بودجه عمومی به درآمدهای نفتی، بعد از کسر سهم ۱۴/۵ درصدی شرکت نفت و سهم ۲۰ درصدی صندوق توسعه ملی از درآمد صادرات نفت، لحاظ می‌شود. در محاسبه نسبت درآمد نفت به هزینه جاری دولت، می‌توان درصد هزینه‌های جاری دولت که توسط درآمدهای نفتی تأمین مالی شده‌اند را محاسبه کرد. در محاسبه این شاخص باید این مسئله در نظر گرفته شود که درآمد نفت صرفاً برای پرداخت هزینه‌های جاری مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در ادامه، در جدول ۳ و نمودار ۳، نسبت منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به اعتبارات هزینه‌ای و منابع عمومی دولت طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۴۰۰ ارائه شده است.

جدول ۳: نسبت منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به اعتبارات هزینه‌ای و منابع عمومی دولت

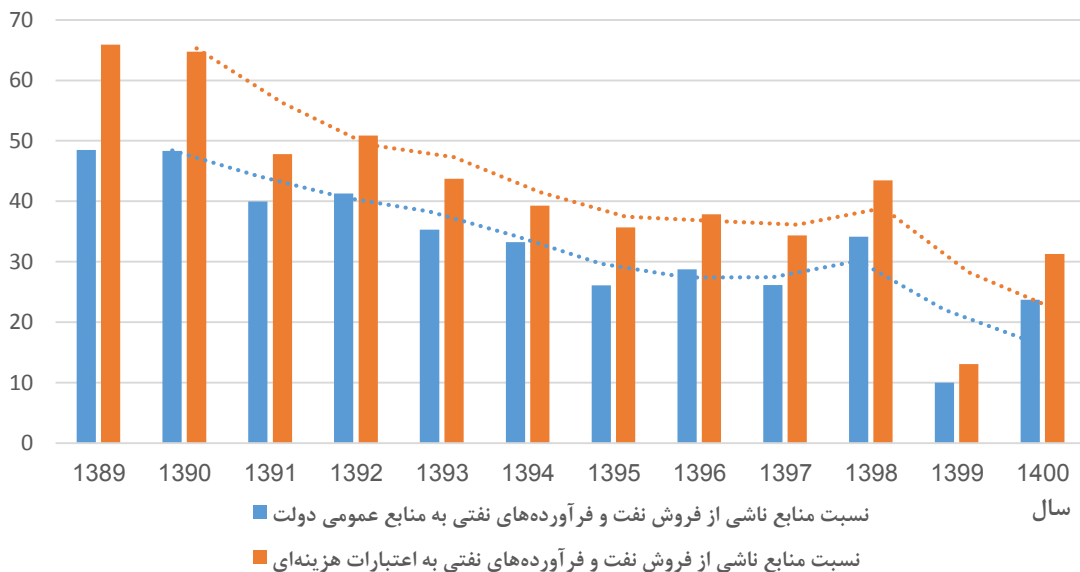
سال	منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی (میلیارد ریال)	جمع منابع عمومی دولت (میلیارد ریال)	اعتبارات هزینه‌ای (میلیارد ریال)	تملك دارایی‌های سرمایه‌ای (میلیارد ریال)	نسبت منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به منابع عمومی دولت	نسبت منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به اعتبارات هزینه‌ای	نسبت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی
۱۳۸۹	۴۳۴۴۸۵/۵	۸۹۶۰۷۳/۹	۶۵۹۳۴۱/۵	۲۱۲۸۴۵	۴۸/۴۸	۶۵/۸۹	۴۸/۹۸
۱۳۹۰	۵۶۸۲۷۷/۱	۱۱۷۵۲۸۵/۵	۸۷۷۷۰۱/۹	۲۸۹۰۰۱	۴۸/۳۵	۶۴/۷۴	۵۰/۸۵

۱. برای مطالعات بیشتر به صمدی و همکاران (۱۳۸۸)، سامتی و همکاران (۱۳۸۸)، محمدی و برات‌زاده (۱۳۹۲)، کفائی و رحمانی (۱۳۹۷) مراجعه شود.

۳۵/۷۸	۴۷/۸۱	۳۹/۹۷	۱۵۲۲۷۷/۴	۸۸۹۹۹۳/۲	۱۰۶۴۴۲۰/۷	۴۲۵۵۲۶/۵	۱۳۹۱
۳۶/۱۲	۵۰/۸۸	۴۱/۲۶	۲۲۰۱۵۷/۲	۱۱۹۷۶۴۶/۹	۱۴۷۶۷۷۳/۷	۶۰۹۴۰۰	۱۳۹۲
۴۷/۵۹	۴۳/۷۴	۳۵/۲۸	۲۹۹۵۰۰/۱	۱۴۳۸۳۱۶	۱۷۸۳۲۴۳/۸	۶۲۹۲۰۶/۳	۱۳۹۳
۴۰/۵۷	۳۹/۲۷	۳۳/۲۳	۲۷۱۹۹۰/۴	۱۷۰۶۸۸۵/۴	۲۰۱۷۰۷۸/۱	۶۷۰۳۵۴/۳	۱۳۹۴
۵۲/۳۲	۳۵/۶۵	۲۶/۰۹	۳۸۶۵۹۸/۳	۲۰۷۲۳۴۵/۴	۲۸۳۱۵۹۸/۲	۷۳۸۸۱۸/۶	۱۳۹۵
۴۷/۷۸	۳۷/۸۳	۲۸/۷۲	۴۳۹۲۱۳/۱	۲۴۲۹۳۸۹	۳۲۰۰۲۷۷/۹	۹۱۹۲۲۶/۳	۱۳۹۶
۶۱/۳۸	۳۴/۳۵	۲۶/۱۱	۶۲۰۰۲۰/۷	۲۹۳۹۹۴۷/۴	۳۸۶۷۸۶۶/۱	۱۰۱۰۱۱۴/۴	۱۳۹۷
۴۳/۶۷	۴۳/۴۴	۳۴/۱۲	۶۶۸۵۷۲/۶	۳۵۲۳۷۵۹/۱	۴۴۸۵۸۱۱/۱	۱۵۳۰۷۳۲	۱۳۹۸
۱۵۴/۵	۱۳/۰۵	۹/۹۷	۸۷۹۸۲۰/۸	۴۳۶۰۳۱۵/۵	۵۷۱۰۱۳۶/۴	۵۶۹۴۳۶	۱۳۹۹
۵۲/۲	۳۱/۲۸	۲۳/۶۸	۱۰۴۰۳۱۰/۹	۶۳۷۰۱۱۶/۵	۸۴۱۳۴۲۷/۵	۱۹۹۲۷۲۰	۱۴۰۰

منبع: سازمان برنامه بودجه کشور؛ سازمان خزانه‌داری کل کشور؛ بانک مرکزی.

توضیحات: عملکرد منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی، اعتبارات هزینه‌ای و مجموع منابع عمومی دولت از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ از سازمان خزانه‌داری کل کشور اخذ شده است و سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۹ آمار درج شده در قانون بودجه کل کشور و سال ۱۴۰۰ آمار لایحه بودجه است.



نمودار ۳: نسبت منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به اعتبارات هزینه‌ای و منابع عمومی دولت (۱۳۸۹-۱۴۰۰)  
منبع: سازمان برنامه بودجه کشور؛ سازمان خزانه‌داری کل کشور؛ بانک مرکزی.

بر اساس داده‌ها و اطلاعات فوق، طی دوره زمانی مورد بررسی از ۱۳۸۹-۱۳۹۹، وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی به طور نسبی روند کاهشی داشته است، به طوری که وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی از حدود ۴۸ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۲۸ درصد در سال ۱۳۹۶ رسیده است. در قانون بودجه در سال ۱۳۹۷ نیز، وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی، حدود ۲۶ درصد بوده است؛ ولی در قانون بودجه سال ۱۳۹۸، این وابستگی افزایش چشم‌گیری داشته و به حدود ۳۴ درصد

رسیده است. این وابستگی در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ به پایین‌ترین حد خود طی این سال‌ها و به حدود ۱۰ درصد رسیده است. البته در مورد درآمدهای نفتی باید بیان کرد که درآمدهای نفتی در بودجه، کاهش چشم‌گیری در این سال‌ها داشته است و از حدود ۱۵۳۰۷۳۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ به حدود ۵۶۹۴۳۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۹ رسیده که این کاهش عمدتاً به دو دلیل زیر است:

- ۱- تحریم‌های بین‌المللی و یک‌جانبه علیه ایران که باعث کاهش فروش نفت شده است.
- ۲- به علت شیوع بیماری کرونا، تقاضای جهانی برای نفت نیز تحت تأثیر قرار گرفته و قیمت‌های جهانی نفت کاهش یافته است.

در لایحه بودجه ۱۴۰۰ نیز، میزان درآمدهای نفتی دولت به حدود ۱۹۹۲۷۲۰ میلیارد ریال رسیده است و نسبت منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به منابع عمومی دولت، با افزایش چشم‌گیری به ۲۳/۶۸ درصد رسیده است. همچنین، وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفتی از حدود ۶۶ درصد در سال ۱۳۸۹ در سال ۱۳۸۹ به حدود ۳۸ درصد در سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است. در قانون بودجه ۱۳۹۷ نیز، این رقم به حدود ۳۵ درصد رسیده است، ولی در سال ۱۳۹۸، به حدود ۴۴ درصد افزایش یافته است. با توجه به کاهش درآمدهای نفتی در سال ۱۳۹۹، این نسبت نیز در سال ۱۳۹۹ به کمترین حد خود؛ یعنی حدود ۱۳ درصد رسیده است. در واقع حدود ۱۳ درصد از هزینه‌های جاری دولت توسط درآمدهای نفتی پوشش داده می‌شود. بنابراین، طی سال‌های مورد بررسی، منابع بودجه عمومی دولت و اعتبارات هزینه‌ای رشد حدود ۲۲ درصدی داشته است. این در شرایطی است که سهم درآمدهای نفت از کل منابع عمومی در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ با کاهش ۶/۳ درصدی مواجه شده است. به عبارتی، سهم نفت از کل منابع عمومی دولت در سال ۱۳۸۹ حدود ۴۸/۴۸ درصد بوده که این میزان در سال ۱۴۰۰، به ۲۳/۶۸ درصد رسیده است.

شاخص پوشش اعتبارات هزینه‌ای با استفاده از درآمدهای نفتی، در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ با کاهش ۶/۵ درصدی مواجه بوده است. به عبارتی سهم درآمدهای نفتی در پوشش هزینه‌های جاری دولت از ۶۵/۸۹ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۳۱/۲۸ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. نسبت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی نیز از ۴۸/۹ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۵۲/۲ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است.

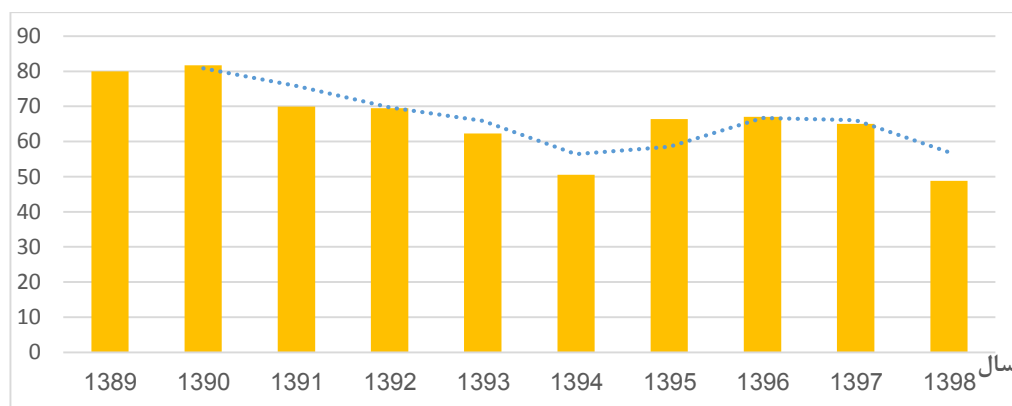
### ۳-۲-۲- شاخص نسبت درآمد صادرات نفت به کل صادرات کشور

در شاخص نسبت درآمد صادرات نفت به کل صادرات کشور، میزان وابستگی صادرات کشور به نفت نشان داده شده است. در واقع این نسبت بیانگر این است که چند درصد درآمدهای ارزی کشور ناشی از درآمدهای نفتی است. در ادامه در جدول ۴ و نمودار ۴، نسبت درآمدهای نفتی حاصل از صادرات نفت به درآمد کل صادرات ارائه شده است.

جدول ۴: نسبت درآمدهای نفتی حاصل از صادرات نفت به درآمد کل صادرات

سال	درآمد صادرات غیرنفتی (میلیون دلار)	درآمدهای صادرات نفتی (میلیون دلار)	مجموع درآمد صادرات نفتی و غیرنفتی (میلیون دلار)	نسبت درآمدهای نفتی به درآمد کل صادرات
۱۳۸۹	۲۲۵۹۶	۹۰۱۹۱	۱۱۲۷۸۸	۷۹/۹۶
۱۳۹۰	۲۶۶۵۶	۱۱۸۸۶۱	۱۴۵۵۱۸	۸۱/۶۸
۱۳۹۱	۲۹۲۱۳	۶۸۰۵۸	۹۷۲۷۱	۶۹/۹۶
۱۳۹۲	۲۸۳۶۹	۶۴۵۴۰	۹۲۹۱۰	۶۹/۴۶
۱۳۹۳	۳۳۵۶۹	۵۵۴۰۶	۸۸۹۷۶	۶۲/۲۷
۱۳۹۴	۳۱۱۴۷	۳۱۸۴۸	۶۲۹۹۵	۵۰/۵۵
۱۳۹۵	۲۸۲۲۶	۵۵۷۵۲	۸۳۹۷۸	۶۶/۳۸
۱۳۹۶	۳۲۳۲۴	۶۵۸۱۸	۹۸۱۴۲	۶۷/۰۶
۱۳۹۷	۳۲۶۵۵	۶۰۷۳۵	۹۳۳۹۰	۶۵/۰۳
۱۳۹۸	۳۰۳۷۵	۲۹۰۱۶	۵۹۳۹۱	۴۸/۸۵
۱۳۹۹	-	-	-	-
۱۴۰۰	-	-	-	-

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.



نمودار ۴: نسبت درآمد نفتی به درآمد کل صادرات

منبع: بانک مرکزی.

بر اساس داده‌ها و اطلاعات فوق می‌توان بیان کرد که:

- درآمدهای حاصل از صادرات غیرنفتی همواره با نوسان مواجه بوده است، به‌گونه‌ای که از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ افزایش، سپس با کاهش در سال ۱۳۹۲، در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است.



سپس دوباره تا سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است و با افزایش در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، دوباره در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است.

- درآمدهای حاصل از صادرات نفتی نیز دارای نوسان بوده است، به گونه‌ای که در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ افزایش یافته است. سپس تا سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است. سپس با افزایش در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ دوباره در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ روند کاهشی داشته است.

- نتایج حاصل از بررسی این داده‌ها بیانگر این مسئله است که روند تغییرات درآمد حاصل از صادرات کل (نفتی و غیرنفتی) در سال‌های مختلف، همسو با روند تغییر درآمد حاصل از صادرات نفت است. این بدین مفهوم است که صادرات کل بیشتر تحت تأثیر صادرات نفت قرار داشته است. نسبت درآمدهای نفتی به کل درآمدهای صادراتی نیز بیانگر همین نکته است. در واقع وابستگی درآمدهای ارزی به درآمدهای نفتی، بیشتر از درآمدهای غیرنفتی است.

- نمودار شماره ۴ نشان می‌دهد که نسبت درآمدهای نفتی به درآمد کل صادرات از حدود ۸۰ درصد در سال ۱۳۸۹ به حدود ۴۹ درصد در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است.

- بیشترین وابستگی صادرات به درآمدهای حاصل از صادرات نفتی در سال ۱۳۹۰ و کمترین مربوط به سال ۱۳۹۸ بوده است.

### ۳-۲-۳- شاخص سهم ارزش افزوده بخش نفت در تولید ناخالص داخلی کشور

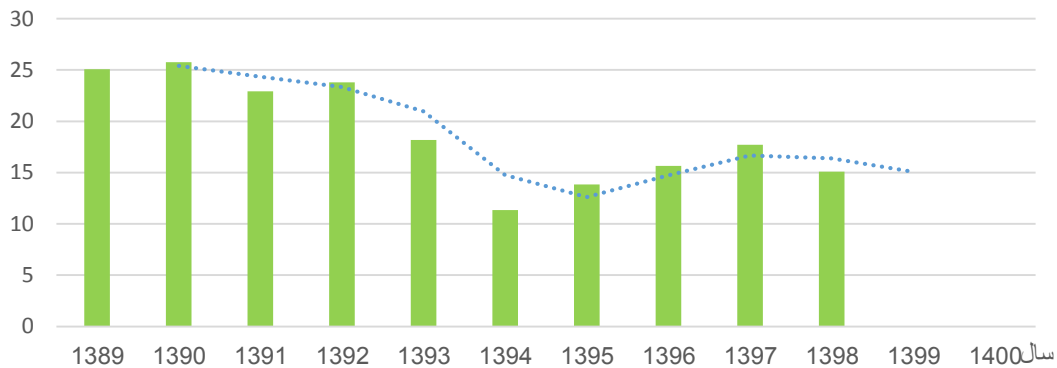
شاخص سهم ارزش افزوده بخش نفت در GDP، بیانگر این است که ارزش فعالیت‌های اقتصادی کشور چقدر وابسته به ارزش نفت است. جدول ۵ و نمودار ۵، درصد ارزش تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری ناشی از درآمدهای نفتی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: تولید ناخالص داخلی (با و بدون نفت) و سهم ارزش افزوده بخش نفت در GDP کشور

سال	تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال)	تولید ناخالص داخلی بدون نفت (میلیارد ریال)	نرخ رشد تولید (با نفت)	نرخ رشد تولید (بدون نفت)	ارزش افزوده نفت (میلیارد ریال)	سهم نفت در تولید ناخالص داخلی (درصد)
۱۳۸۹	۵۴۶۹۸۹۶	۴۰۹۹۲۱۶	-	-	۱۳۷۰۶۸۰	۲۵/۰۵
۱۳۹۰	۶۸۶۶۸۱۱	۵۰۹۷۴۸۶	۲۵/۵۳	۲۴/۳۵	۱۷۶۹۳۳۵	۲۵/۷۶
۱۳۹۱	۸۵۳۳۳۹۲	۶۵۷۸۱۰۳	۲۴/۲۷	۲۹/۰۴	۱۹۵۵۲۸۹	۲۲/۹۱
۱۳۹۲	۱۱۸۰۴۸۸۶	۸۹۹۷۹۸۶	۳۸/۳۳	۳۶/۷۸	۲۸۰۶۹۰۰	۲۳/۷۷
۱۳۹۳	۱۲۵۵۰۹۶۰	۱۰۲۶۸۷۹۱	۶/۳۲	۱۴/۱۲	۲۲۸۲۱۶۹	۱۸/۱۸
۱۳۹۴	۱۲۱۸۰۰۱۶	۱۰۷۹۸۱۵۹	-۲/۹۵	۵/۱۵	۱۳۸۱۸۵۷	۱۱/۳۴
۱۳۹۵	۱۴۷۵۲۷۶۳	۱۲۷۱۰۸۱۴	۲۱/۱۲	۱۷/۷۱	۲۰۴۱۹۴۹	۱۳/۸۴
۱۳۹۶	۱۷۷۳۹۵۵۷	۱۴۹۶۴۲۳۳	۲۰/۲۴	۱۷/۷۲	۲۷۷۵۳۲۵	۱۵/۶۴
۱۳۹۷	۲۵۳۷۳۲۴۷	۲۰۸۸۳۰۱۷	۴۳/۰۳	۳۹/۵۵	۴۴۹۰۲۳۰	۱۷/۶۹
۱۳۹۸	۳۳۴۸۹۴۱۳	۲۸۴۳۹۶۰۵	۳۱/۹۸	۳۶/۱۸	۵۰۴۹۸۰۹	۱۵/۰۷

-				-	-	۱۳۹۹
-				-	-	۱۴۰۰

منبع: مرکز آمار ایران.



#### نمودار ۵: سهم نفت در تولید ناخالص داخلی (درصد)

منبع: مرکز آمار

بررسی داده‌های جدول فوق طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۸ نشان می‌دهد:

- تولید ناخالص داخلی (با نفت) تا سال ۱۳۹۳ روند افزایشی داشته، سپس در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته و سپس تا سال ۱۳۹۸ روند افزایشی داشته است. متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی طی دوره زمانی مورد بررسی ۲۲/۳ درصد بوده است. پایین‌ترین نرخ رشد سالانه متعلق به سال ۱۳۹۴ و برابر با ۲/۹۵- درصد بوده است. طی سال‌های مورد بررسی، نرخ رشد سالانه در سال ۱۳۹۲، تک رقمی و برابر با ۶/۳۲ درصد بوده است.
- ارزش‌افزوده بخش نفت تا سال ۱۳۹۲ روند افزایشی داشته، سپس تا سال ۱۳۹۴ روند کاهشی بوده و سپس تا سال ۱۳۹۸ روند افزایشی داشته است. بنابراین بالاترین ارزش‌افزوده بخش نفت مربوط به سال ۱۳۹۸ و پایین‌ترین مربوط به سال ۱۳۹۴ بوده است.
- با توجه به اینکه ارزش‌افزوده بخش نفت در سال ۱۳۹۳ روند کاهشی پیدا کرده است، اما به علت ارزش‌افزوده بخش غیرنفتی در سال ۱۳۹۳، تولید ناخالص داخلی (با نفت) در حالت کلی افزایش و در سال ۱۳۹۴، به علت کاهش شدید ارزش‌افزوده بخش نفت، تولید ناخالص داخلی (با نفت) کاهش یافته است.

- سهم نفت در تولید ناخالص داخلی از حدود ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۹ با کاهش ۱۰ واحد درصد به حدود ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. بالاترین سهم نفت در تولید مربوط به سال ۱۳۸۹ بوده و پایین‌ترین مربوط به سال ۱۳۹۴ و حدود ۱۱/۳۴ درصد بوده است. همچنین اختلاف بالاترین و پایین‌ترین سهم نفت در تولید ناخالص داخلی حدود ۱۳/۶۱ درصد بوده است.
- تولید ناخالص داخلی (بدون نفت) همواره روند افزایشی داشته است. متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (بدون نفت) طی دوره زمانی مورد بررسی، ۲۴/۰۱ درصد بوده است. بالاترین نرخ رشد سالانه متعلق به سال ۱۳۹۷ برابر با ۳۹/۵۵ درصد بوده است. پایین‌ترین نرخ رشد سالانه متعلق به سال ۱۳۹۴ و برابر با ۵/۱۵ درصد بوده است.
- با توجه به اینکه به طور نسبی، اختلاف نرخ رشد سال‌های مختلف با احتساب نفت خام بیش از تولید ناخالص داخلی بدون نفت است. بدین معنی است که شوک‌ها و سیاست‌های نفتی بیش از سایر متغیرها، بر تولید اثرگذار بوده و همین مسئله نشان‌دهنده وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی است؛ به طوری که اختلاف بیشترین و کمترین نرخ رشد در تولید ناخالص داخلی (با نفت) حدود ۴۶/۲۵ واحد درصد است و اختلاف نرخ رشد در تولید ناخالص داخلی (بدون نفت) حدود ۳۴/۲۰ واحد درصد است که نشانگر نوسان کمتر در بخش غیرنفتی و واریانس بالا و نوسان بیشتر در بخش نفتی است.
- در سال ۱۳۹۳، نرخ رشد تولید (با نفت) تک رقمی بوده ولی در همان سال، نرخ رشد تولید (بدون نفت) دو رقمی بوده است و در سال ۱۳۹۴، نرخ رشد تولید (با نفت) منفی و در همان سال، نرخ رشد تولید (بدون نفت) مثبت بوده است. این امر نیز نشان‌دهنده تأثیرپذیری بالای اقتصاد کشور از بخش نفت است.
- بالاتر بودن روند نرخ رشد تولید با لحاظ بخش نفت از تولید بدون بخش نفت نشان‌دهنده برون‌زا بودن قیمت نفت و تأثیرپذیری اقتصاد داخلی از روند جهانی قیمت و مقدار تقاضای نفت و ریسک‌ها و نوسانات آن است.
- با توجه به نظام اقتصادی کشور، کاهش سهم نفت در تولید ناخالص داخلی منجر به اثر مستقیم در هزینه‌های دولت و سیاست‌های انبساطی آن می‌شود. از آنجاکه کاهش سهم نفت در اقتصاد ارادی نبوده و برون‌زا می‌باشد، دولت این کسری را از طریق استفاده از تنخواه‌گردان بانک مرکزی (استقراض)، فروش سایر دارائی‌های سرمایه‌ای همانند سهام شرکت‌های دولتی، استفاده از منابع صندوق توسعه ملی مطابق با قوانین بودجه و واگذاری دارائی‌های مالی تأمین کرده است. این امر سبب شده است تا در سال‌های اخیر سهم نفت در تولید ناخالص داخلی به مرور کمتر نشان داده شود.

## ۴- بررسی جنبه‌های قانونی و مقرراتی

در رابطه با جنبه‌های قانونی توزیع درآمدهای نفت سه نوع مستندات قانونی شامل؛ مستندات قانونی تقسیم درآمدهای ناشی از صادرات نفت خام و میعانات گازی؛ مستندات قانونی تقسیم درآمدهای ناشی از فروش داخلی نفت خام و میعانات گازی؛ مستندات قانونی تقسیم درآمدهای ناشی از فروش مشتقات نفتی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین با توجه به اهمیت قوانین بودجه به عنوان قوانین سالانه درآمدها و هزینه‌ها، مستندات قوانین بودجه در مورد سهم صندوق توسعه ملی و شرکت نفت از منابع حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی نیز به صورت مجزا بررسی شده است.

### ۴-۱- مستندات قانونی تقسیم درآمدهای ناشی از صادرات نفت خام و میعانات گازی

تقسیم منابع حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی، سابقه در برنامه سوم توسعه دارد. اخیراً نیز بر اساس قوانین بودجه سنواتی و قانون برنامه ششم توسعه و قانون الحاق برخی از مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) تنظیم شده است. مطابق بند «الف» ماده (۱) قانون الحاق (۲) معادل سهمی از ارزش نفت (نفت خام، میعانات گازی و خالص گاز طبیعی) صادراتی و مبالغ حاصل از فروش داخلی که در قوانین بودجه سنواتی تعیین می‌شود، به‌عنوان سهم شرکت ملی نفت بابت کلیه مصارف سرمایه‌ای و هزینه‌ای شرکت مزبور از جمله بازپرداخت بدهی و تعهدات شامل تعهدات سرمایه‌ای و بیع متقابل و جبران خسارات زیست‌محیطی و آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های نفتی خالص درآمد و هزینه‌های ناشی از عملیات صادرات با احتساب هزینه‌های حمل و بیمه تعیین شده است.

بر اساس بند «ب» ماده (۷) قانون برنامه ششم توسعه، سهم شرکت ملی نفت از صادرات که بنا بود در قوانین بودجه سالیانه تعیین شود، ۱۴/۵ درصد در نظر گرفته شد. البته در قوانین بودجه سنواتی نیز همین میزان سهم برای شرکت ملی نفت در نظر گرفته می‌شد. منطبق حاکم بر این قواعد، کلیه مصارف سرمایه‌ای و هزینه‌ای شرکت ملی نفت باید از محل سهم این شرکت تأمین گردد.

با وجود این، اصل و سود بازپرداخت سرمایه‌گذاری انجام شده توسط بخش خصوصی برای استحصال نفت از میادینی که در قالب ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و بند «ق» تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است از سهم شرکت ملی نفت کسر نمی‌شود، بلکه توسط دولت پرداخت می‌گردد. با توجه به همین قانون، پیش از آنکه منابع حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی در فرایند تقسیم قرار بگیرد، بخشی از این درآمدها به‌عنوان سهم سرمایه‌گذاران موضوع ماده (۱۲) و بند «ق»، کسر و سپس منابع باقیمانده بین صندوق توسعه ملی، شرکت ملی نفت ایران و دولت تقسیم خواهد شد.

نکته مهم این است با وجود آنکه شرکت ملی نفت ایران بازپرداخت هزینه‌های سرمایه‌گذاری صورت گرفته برای استحصال نفت از میادینی که سرمایه‌گذاری در آنها بر اساس ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید صورت گرفته را انجام نداده است، سهم ۱۴/۵ درصدی از درآمدهای حاصل از توسعه این میادین را دریافت می‌کند. به علاوه، میزان بازپرداخت مربوط به قراردادهای ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید توسط شرکت ملی نفت ایران به بخش خصوصی، به صورت شفاف در منابع و مصارف عمومی منعکس نمی‌شود و قبل از واریز منابع به خزانه، این بازپرداخت‌ها به صورت فرابودجه‌ای و از سرجمع منابع حاصل از صادرات نفت انجام می‌شود.

#### ۴-۲- مستندات قانونی تقسیم درآمدهای ناشی از فروش داخلی نفت خام و میعانات گازی

مطابق بند «الف» ماده (۱) قانون الحاق (۲)، سهمی از مبالغ حاصل از فروش داخلی نفت خام و میعانات گازی که در قوانین بودجه سنواتی تعیین می‌گردد، به عنوان سهم شرکت ملی نفت ایران در نظر گرفته شده است. هرچند این سهم تحت عنوان ۱۴/۵ درصد شرکت ملی نفت از محل فروش داخلی نفت خام و میعانات گازی شناخته می‌شود، اما ردپای این رقم در قوانین کشور وجود ندارد.

با توجه به یارانه پنهان انرژی در کشور، به منظور محاسبه سهم شرکت ملی نفت از فروش داخلی و به استناد جزء (۲) بند «الف» ماده (۱) قانون الحاق (۲)، قیمت هر بشکه نفت خام و میعانات گازی تحویلی پالایشگاه‌ها به صورت سالیانه به پیشنهاد کارگروهی متشکل از وزرای نفت و امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه کشور تعیین می‌شود. در حال حاضر، به نظر می‌رسد این قیمت به گونه‌ای تعیین می‌گردد که سهم شرکت ملی نفت معادل ۱۴/۵ درصد «ارزش فروش داخلی و صادراتی فرآورده‌های نفتی» گردد. این سهم از محل فروش فرآورده‌های موضوع هدفمندی تأمین و در قالب جدول تبصره هدفمندی در قوانین بودجه سالیانه منعکس می‌شود.

بر اساس جزء (۱) بند «الف» ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، قیمت نفت تحویلی به پالایشگاه‌های داخلی و مجتمع‌های پتروشیمی اعم از دولتی و خصوصی ۹۵ درصد متوسط بهای محموله‌های صادراتی نفت مشابه در هر ماه شمسی است. بر اساس قواعد، سهم شرکت ملی نفت ایران از درآمدهای ناشی از فروش میعانات گازی به پتروشیمی‌های داخلی نیز ۱۴/۵ درصد و سهم منابع عمومی ۸۵/۵ درصد است. لازم به ذکر است که مصارف شرکت نفت برای برنامه‌های مطالعه، اکتشاف و استخراج نفت، ذخیره و پالایش و انتقال و صادرات است. مصارف دولت نیز که در جداول هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای آمده است، فاقد حسابداری صنعتی برای تفکیک هزینه‌ها بر اساس نفت یا سایر درآمدها است.

#### ۴-۳- مستندات قانونی تقسیم درآمدهای ناشی از فروش مشتقات نفتی

مطابق ماده ۷۱ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران (مصوب سال ۱۳۹۵)، کلیه منابع حاصل از فروش سایر مشتقات نفتی (به غیر از نفت خام و میعانات گازی) مانند مایعات گازی، نفتا، گوگرد و... به صورت کامل متعلق به این شرکت است. بر اساس این ماده کلیه درآمدهای حاصل از فروش مایعات گازی، نفتا، گوگرد و سایر مشتقات نفتی و سایر درآمدهای شرکت از جمله درآمدهای حاصل از حمل و نقل هر نوع مواد نفتی در داخل و خارج از کشور، سرمایه‌گذاری‌های مستقل و مشترک و درآمد و سود حاصل از آنها، انتقال (ترانزیت)، مبادله و معاوضه (سوآپ) نفت خام و فرآورده‌ها، سود سهام شرکت‌های فرعی تابعه، سود سپرده ارزی، اجاره و فروش اموال، درآمد شرکت محسوب و در دفاتر شرکت ثبت و وجوه حاصله به حساب‌های بانکی شرکت که به تأیید خزانه‌داری کل کشور رسیده است، واریز می‌شود. گفتنی است معیار و قواعد تعیین قیمت فروش گاز توسط شرکت ملی نفت به شرکت ملی گاز مشخص نیست.<sup>۱</sup>

#### ۴-۴- مستندات قوانین بودجه در مورد سهم صندوق توسعه ملی و شرکت نفت از منابع حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی

بر اساس قوانین بودجه سالانه، سهم صندوق توسعه ملی و شرکت نفت از منابع حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی در جدول ۶ بیان شده است.

جدول ۶: مفاد قانونی بودجه در مورد سهم صندوق توسعه ملی و شرکت نفت از منابع حاصل از صادرات نفت خام و

میعانات گازی (پس از کسر سهم ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید)

سال	سهم صندوق (درصد)	سهم شرکت نفت (درصد)	مفاد قانونی بودجه در مورد سهم صندوق و شرکت نفت
۱۳۸۹	۲۰	۱۴	جزء (الف) و (د) بند (۴) ماده واحده
۱۳۹۰	۲۰	۱۴/۵	جزء (ب) بند (۱) ماده واحده
۱۳۹۱	۲۳	۱۴/۵	جزء (۳-۲) بند (۳) ماده واحده
۱۳۹۲	۲۶	۱۴/۵	جزء (۳-۲) بند (۳) ماده واحده
۱۳۹۳	۲۹	۱۴/۵	بند (ب) تبصره (۲) ماده واحده
۱۳۹۴	۲۰	۱۴/۵	بندهای (الف) و (ب) تبصره (۲) ماده واحده
۱۳۹۵	۲۰	۱۴/۵	بندهای (الف) و (ب) تبصره (۱) ماده واحده
۱۳۹۶	۳۰	۱۴/۵	بند (الف) تبصره (۱) ماده واحده
۱۳۹۷	۳۲	۱۴/۵	بند (الف) تبصره (۱) ماده واحده
۱۳۹۸	۲۰	۱۴/۵	بند (الف) تبصره (۱) ماده واحده
۱۳۹۹	۲۰	۱۴/۵	بند (الف) تبصره (۱) ماده واحده
۱۴۰۰ (لایحه)	۲۰	۱۴/۵	بند (الف) تبصره (۱) ماده واحده

منبع: قوانین بودجه (۱۳۸۹-۱۳۹۹) و لایحه بودجه ۱۴۰۰.

۱. برای مطالعات بیشتر به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره رابطه مالی شرکت‌های ملی نفت و گاز با دولت (۱۳۹۸) مراجعه شود.

همانگونه که ملاحظه می‌شود در تمام این سال‌ها سهم نفت ثابت و برابر ۱۴/۵ درصد بوده است. این روال گویای این است که در صورت کاهش صادرات نفت، با ثابت بودن سهم شرکت نفت، درآمد این شرکت کاهش می‌یابد. در این صورت این پرسش مطرح می‌شود در شرایط کاهش درآمد نفتی آیا شرکت نفت قادر به تأمین منابع هزینه‌های خود از قبیل مطالعه، اکتشاف، استخراج و تأمین لوازم و به روز کردن فناوری را خواهد داشت؟ از طرف دیگر در صورت افزایش درآمد بیش از نیاز سالانه، این شرکت با درآمدهای مازاد چه خواهد کرد؟ آیا صندوقی دارد که بتواند ثبات‌ساز منابع مورد نیاز این شرکت باشد؟

## ۵- مهم‌ترین و اساسی‌ترین محدودیت‌ها و چالش‌های پیش‌رو

با توجه به مطالب فوق‌الذکر، این پرسش مطرح می‌شود که آیا صرف این نوع توزیع و تخصیص درآمدهای نفتی بین دولت، صندوق توسعه ملی و شرکت نفت، اهداف توسعه‌ای سه حوزه مذکور را پوشش می‌دهد؟ این چالشی است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

هدف دولت از این نوع توزیع، کاهش وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای ارزی کشور است که در صورت افزایش درآمدهای نفتی، هزینه‌های جاری دولت افزایش پیدا می‌کند؛ ولی با کاهش درآمدهای نفتی، دولت نمی‌تواند سریعاً هزینه‌های جاری را کاهش دهد و با کسری بودجه روبه‌رو خواهد شد. برای جبران کسری بودجه به ناچار باید از صندوق، منابعی را برداشت کرد که در حقیقت، ادامه این پروسه نه به نفع صندوق خواهد بود و نه هدف کاهش و حذف وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی را محقق می‌سازد.

در ارتباط با صندوق توسعه ملی که با اهداف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی ایجاد شده است و با توجه به اینکه، دارایی‌های صندوق توسعه ملی از دو منبع افزایش جریان ورودی درآمدهای نفت و گاز یا سایر منابع پایان‌پذیر به این صندوق‌ها و نیز افزایش جریان بازدهی سرمایه‌گذاری منابع مالی این صندوق‌ها در پروژه‌های مختلف است، باید بیان نمود که از یک سو، به علت عدم تحقق واریز سهم مشخص شده در قوانین برنامه و بودجه و از سوی دیگر، به علت برداشت مستمر دولت‌ها از منابع این صندوق و عدم برگرداندن مبالغ دریافتی به صندوق، به نظر می‌رسد با ادامه این فرایند، صندوق نیز در تحقق اهداف مذکور موفق عمل نکرده و به مشکل حساب ذخیره ارزی دچار خواهد شد.

آنچه از عملکرد صندوق توسعه ملی مشاهده می‌شود این است که این صندوق به عنوان منبع پس‌انداز برای دولت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. در صورت کاهش درآمدهای نفتی، از یک سو منبع اول؛ یعنی جریان ورودی درآمدهای نفت و گاز به صندوق کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، به علت افزایش کسری بودجه و برداشت دولت از منابع صندوق، منابع صندوق بیشتر کاهش می‌یابد و لذا منبع دوم افزایش صندوق، یعنی سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مختلف باید افزایش یابد. بنابراین، آنچه در مورد صندوق باید مبنای قرار بگیرد این است که هدف از صندوق، پوشش کسری بودجه دولت‌ها نیست. برداشت از صندوق توسعه ملی برای جبران هزینه‌های جاری دولت، نه تنها با ماهیت این صندوق سازگاری ندارد، بلکه اساساً به دلیل افزایش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی، با آنچه از اصلاح ساختاری بودجه مدنظر است نیز، تناقض دارد. برداشت از صندوق باید زمانی صورت پذیرد که نیاز به سرمایه‌گذاری بلندمدت و سودده در اقتصاد باشد که منجر به رونق شده و بتوان اصل و سود صندوق را برگرداند.



در ارتباط با سهم ۱۴/۵ درصدی دریافتی شرکت نفت از درآمدهای نفتی نیز باید بیان کرد فارغ از این که سهم ۱۴/۵ درصدی شرکت نفت چگونه و بر اساس چه قواعدی تعیین شده است، دریافت این سهم منوط به بازپرداخت هزینه‌های سرمایه‌گذاری صورت گرفته برای استحصال نفت از میادین سرمایه‌گذاری شده بر اساس ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید است. با توجه به اینکه قبل از واریز منابع به خزانه، سهم شرکت نفت از سرجمع منابع حاصل از صادرات نفت انجام می‌گیرد، لذا شفافیتی در منابع و مصارف مورد استفاده از این منبع وجود ندارد و در واقع مستندات قانونی این سهم در قوانین کشوری جای ابهام دارد. همچنین در این راستا، در صورت افزایش درآمدهای نفتی، به علت عدم وجود شفافیت در چگونگی هزینه‌کرد سهم مذکور، اتلاف در منابع صورت می‌گیرد و در صورت کاهش درآمدهای نفتی نیز هزینه‌های ایجاد شده در شرکت نفت به سرعت کاهش پیدا نکرده و می‌تواند مسائل و مشکلاتی را ایجاد نماید.

## ۶- راهکارها و اقدامات اصلاحی

در این راستا می‌توان برخی پیشنهادات و راهکارهای راهبردی و اجرایی را ارائه داد. این راهکارها می‌توانند راهنمای سیاست‌گذاران بوده و دید روشن و جامع‌تری پیش روی آنها قرار دهند. انتظار بر این است که متولیان امر با توجه به سنجش دقیق عملی و انجام مطالعات دقیق‌تر، بتوانند در مورد عملیاتی کردن راهکارهای ارائه شده تصمیم‌گیری کرده و در صورت صلاحدید، عملی سازند. از این رو، راهکارهای مطرح شده به شرح زیر است:

در اهداف و ساختار صندوق توسعه ملی باید بازنگری صورت گیرد، به طوری که:

- هدف‌های ترکیبی ایجاد صندوق باید بطور صریح مشخص شود و از هر گونه استفاده و برداشت دیگر از صندوق ممانعت جدی به عمل آید.
- برداشت در صورت نیاز ضروری باید طوری باشد که به صورت سررسید و با اصل و سود به صندوق برگردد.
- ساختار صندوق باید در جهت کاهش وابستگی ساختاری آن به دولت تغییر یابد و با الزامات قانونی، مانع برداشت دولت‌ها از صندوق شد.
- ایجاد شفافیت و نظارت دقیق در فرآیند اجرا و عملکرد صندوق باید صورت گیرد.
- برای کاهش و نهایتاً حذف وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی، هر چند اقداماتی انجام شده است؛ اما به نظر می‌رسد اقدامات صورت گرفته کافی نیست. لذا به نظر می‌رسد بهتر است صندوق از سایر درآمدهای نفتی (به جز درآمدهای حاصل از صادرات نفت) نیز سهمی داشته باشد و به تدریج با افزایش سهم صندوق از منابع مختلف درآمدی نفت، وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی کاهش یابد.

- همچنین برای جلوگیری از برداشت منابع از صندوق توسط دولت، به نظر می‌آید بهتر است سرمایه‌گذاری در منابع صندوق با دید بلندمدت و برای سرمایه‌گذاری‌هایی صورت پذیرد که امکان نقدشوندگی آن‌ها در کوتاه‌مدت کمتر بوده تا با کاهش نقدینگی صندوق بتوان مانع برداشت بی‌رویه دولت‌ها از منابع صندوق شد.
- در ارتباط با رابطه مالی شرکت ملی نفت ایران با درآمدهای نفتی و به طور عمده باید موارد زیر مد نظر قرار گیرد:
- شفافیت و نظارت دقیق باید در درآمدها و هزینه‌های شرکت ملی نفت ایران برای تعیین کارشناسی میزان سهم‌بری شرکت از درآمدهای نفتی صورت گیرد.
- درج درآمدها و مصارف از محل ۱۴/۵ درصد درآمد نفت در بودجه و به‌طور شفاف و روشن مانند بقیه دستگاه‌های دولتی.
- باید بعد از تعیین دقیق و کارشناسی سهم شرکت ملی نفت، سقفی برای بهره‌مندی شرکت ملی نفت از درآمدهای نفتی صورت گیرد و با ایجاد حساب ذخیره درآمدی و حتی‌الامکان به‌صورت ارزی در شرکت ملی نفت، در صورت افزایش درآمدهای نفتی، مازاد سقف تعیین شده در حساب ذخیره آن شرکت پس‌انداز شده و در صورت کمبود درآمدهای ارزی، شرکت از آن حساب بهره‌مند شود. همچنین از منابع این حساب می‌توان برای افزایش سرمایه موجود و سرمایه‌گذاری نیز بهره جست. سازوکار این حساب نیاز به کارشناسی دقیق دارد. همچنین برای ایجاد شفافیت در این حساب، لازم است نظارت دقیق توسط ارگان‌های نظارتی بر عملکرد این حساب صورت گیرد.

## منابع

- جلالی، سهیل (۱۳۹۷). مجموعه قوانین برنامه ششم توسعه، احکام دائمی برنامه‌های توسعه و تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و الحاق‌های آن. چاپ چهارم، تهران: جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر.
- حاجی میرزایی، سید محمدعلی (۱۳۸۶). ضرورت تأسیس صندوق نفت در ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۵(۴۴)، ۱-۴۶.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۶). قانون بودجه سال ۱۳۹۶ کل کشور: ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه. تهران: انتشارات مرکز مدارک علمی و انتشارات.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۷). قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور: ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه. تهران: انتشارات مرکز مدارک علمی و انتشارات.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۸). قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور: ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه. تهران: انتشارات مرکز مدارک علمی و انتشارات.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۹). قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور: ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه. تهران: انتشارات مرکز مدارک علمی و انتشارات.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۴۰۰). قانون لایحه سال ۱۴۰۰ کل کشور: ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه. تهران: انتشارات مرکز مدارک علمی و انتشارات.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۲). قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹-۱۳۸۳. تهران: نشر مرکز مدارک علمی و انتشارات سازمان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۴). قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۴-۱۳۸۸. تهران: نشر مرکز مدارک علمی و انتشارات سازمان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۹۱). قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی. تهران: نشر مرکز مدارک علمی و انتشارات سازمان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۹۴). قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور: ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه. تهران: انتشارات مرکز مدارک علمی و انتشارات.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۹۵). قانون بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور: ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه. تهران: انتشارات مرکز مدارک علمی و انتشارات.
- سامانه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. <https://www.cbi.ir/>. نماگرهای اقتصادی.
- سامانه مرکز آمار ایران. <https://www.amar.org.ir/>
- سامتی، مرتضی، خانزادی، آزاد و یزدانی، مهدی (۱۳۸۸). اثرات درآمدهای نفتی و تزریق آن به اقتصاد بر توزیع درآمد: مطالعه‌ی موردی کشور ایران. فصلنامه اقتصاد مقداری، ۶(۴)، ۵۱-۷۲.
- صمدی، سعید، یحیی آبادی، ابوالفضل و معلمی، نوشین (۱۳۸۸). تحلیل شوک‌های قیمتی نفت بر متغیرهای اقتصاد کلان در ایران. فصلنامه سیاست‌های اقتصادی، ۱۷(۵۲)، ۵-۲۶.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۸۶). مروری بر عملکرد حساب ذخیره ارزی طی برنامه سوم توسعه. دو فصلنامه برنامه و بودجه، ۱۳(۱)، ۱۰۱-۱۲۷.

کفایی، محمدعلی و رحمانی، طاهره (۱۳۹۷). بررسی نقش درآمدهای نفتی در چگونگی اثرگذاری توسعه بخش مالی بر رشد اقتصادی کل و بخش غیرنفتی در ایران. *فصلنامه اقتصاد و الگوسازی*. ۹(۱)، ۲۷-۵۴.

محمدی، حسین و برات‌زاده، امین (۱۳۹۲). تأثیر شوک‌های حاصل از کاهش درآمد نفت بر منابع دولت و نقدینگی در ایران. *فصلنامه اقتصاد انرژی ایران*، ۲(۷)، ۱۲۹-۱۴۵.

مردوخی، بایزید (۱۳۸۹). *گذر از حساب ذخیره ارزی به صندوق توسعه ملی، میزگرد صندوق توسعه ملی، سند چشمانداز و توانمندسازی بخش خصوصی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن* ۸۹/۲/۲۵.

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۸). *رابطه مالی شرکت‌های ملی نفت و گاز با دولت. معاونت پژوهش‌های اقتصادی: دفتر مطالعات مالی عمومی و توسعه مدیریت، شماره مسلسل: ۱۶۸۲۹*.

معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (۱۳۸۹). *قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور: ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه*. تهران: انتشارات مرکز مدارک علمی و انتشارات.

معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (۱۳۹۰). *قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور: ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه*. تهران: انتشارات مرکز مدارک علمی و انتشارات.

معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (۱۳۹۱). *قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور: ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه*. تهران: انتشارات مرکز مدارک علمی و انتشارات.

معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (۱۳۹۲). *قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور: ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه*. تهران: انتشارات مرکز مدارک علمی و انتشارات.

معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (۱۳۹۳). *قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور: ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه*. تهران: انتشارات مرکز مدارک علمی و انتشارات.

27- <https://www.khabaronline.ir/news/1241267/>

